

فیلمنامه بچه‌سواران کردی

هنگامه‌های جنگشواران کردی فیلمنامه
تألیف و روایت: محسن جعفری
شماره دوم - دهم - دی ماه ۱۳۹۵ - تهران

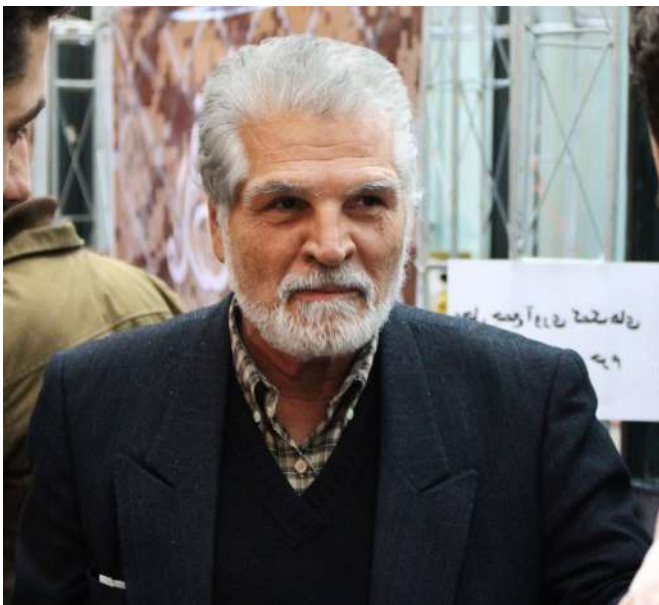


از مکانیزه تا قاطریزه

«مرثیه‌ای برای یک رویا»ی دانش آموزی
«ایستادگی در آسمان» یعنی سر حرفمان هستیم
مهم آشناسدن جریان خاکستری با انقلاب است

گزارش تصویری روز اول





دریادار اخگر:

سینما و تلویزیون به نیروی دریایی نمی پردازند

در نخستین روز از جشنواره هفتم عمار، امیر دریادار دوم علی اکبر اخگر، از فرماندهان نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، در «کارگاه هنر و واقعیت» با انتقاد از عدم توجه و نمایش دلاورمردی‌های نیروهای دریایی در سینما و تلویزیون اظهار داشت: متأسفانه در آثاری که تولید می‌شود، نقش نیروهای دریایی نادیده گرفته شده و در سریال کیمیا که مدت‌ها پیش از صدا و سیما پخش شد هیچ‌گونه تصویری از جانفشانی‌های نیروهای دریایی نشان داده نشد؛ در حالی تکاوران نیروی دریایی ۳۴ روز در ماجرای فتح خرمشهر در برابر دشمن مقاومت کردند و تأثیر بسزایی در عقب نشینی دشمن داشتند. وی با بیان این‌که نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران آمادگی تعامل و همکاری با گروه‌های مختلف فیلمسازی و هنری را دارد، تأکید کرد: عملیات‌های بسیاری توسط نیروی دریایی در دوران هشت ساله دفاع مقدس و پس از آن تا به امروز جهت نمایش اقتدار ایران اسلامی و مبارزه با دشمن در آب‌های نیلگون خلیج فارس صورت گرفته است که هر کدام می‌تواند دستمایه‌ای برای سازندگان آثار هنری باشد.

وی با بیان این‌که نقطه عطف نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در دوران هشت سال دفاع مقدس حفظ چرخه اقتصاد کشور و اخلال در روند صادرات و واردات عراق بود، اظهار داشت: نیروی دریایی ایران در ایام جنگ تحمیلی با تجهیزات نه چندان پیشرفته نسبت به دولت بعث، اما با ایمان و اراده توانست بیش از ۱۰ هزار کشتی ایرانی را از بندر امام خمینی (ره) پشتیبانی و از قطع چرخه اقتصادی کشور جلوگیری کند.

اخگر با بیان این‌که نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با آغاز درگیری‌های مرزی و تجاوز عراق به مرز ایران با تمهیدات لازم برای دفاع از حریم آب‌های جمهوری اسلامی ایران و منابع ملی کشور در دریا، وارد میدان نبرد شد، گفت: دلاورمردان جمهوری اسلامی ایران، توانستند در عملیات‌های مقتدرانه‌ای ضربات کوبنده و مهلکی را در عملیات‌های اشکان، شهید صفری، مروارید، رعد، مرجان، و نظایر آن بر پیگیر نیروی دریایی و رژیم بعثی و متجاوز عراق وارد کنند.

وی در ادامه تصریح کرد: در همین مدت بیش از ۳۰۰ میلیون تن کالا بدون هیچ‌گونه آسیبی جابجا شده و ۱۵۰ عملیات رزمی جهت حفظ چرخه اقتصادی کشور در خلیج فارس و دریای عمان توسط دریادانان نیروی دریایی با موفقیت کامل انجام شد.

وی با اشاره به به عملیات‌های غرور آفرین نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی اظهار داشت: عملیاتی با عنوان پیکان در هفتم آذر ماه ۱۳۵۹ به وقوع پیوست که به سبب همین عملیات، این تاریخ به عنوان روز نیروی دریایی شناخته می‌شود و این عملیات از عملیات‌های نادر دریایی است که در جهان شناخته می‌شود.



طالب زاده:

امثال مستند «داد» انقلاب را بیمه می‌کند

عالی بود از ده تا فیلم سینمایی بهتر بود. این کار را باید زود از یکی از رسانه ملی پخش شود این کار از جنسی است که معمولا رسانه ملی پخش نمی‌کند. این فیلم عمار است و شان عمار دارد. این مسایلی هست که به کمر انقلاب ضربه می‌زند یادم هست که چند سال پیش معلم اعتراض کردند کسی برای من خبر آورد که با باتوم زده اند. معلم جانباز داشتیم که باتوم خورده بود. امروز دارند پیرامون این مسایل فیلم می‌سازند. دیگر نمی‌توانی جلو فیلم ساز را بگیری این هم یک اتفاق مهم است که این فیلم ساز با این مستند دنبال اصل مسئله هستند. این‌ها همان مسایلی هست که انقلاب را بیمه می‌کند. من می‌خواستم که بلند شوم ولی نمی‌توانستم این کار را انجام دهم. تازه این هم در مدرسه فیلم سازی عمار ساخته شده بود.

کارگر را چرا شلاق می‌زنید؟

اگر کارگر نتواند در جمهوری اسلامی اعتراض کند و بترسد از اینکه بخاطر مسائل امنیت زندانی شود دیگه ما چیزی به دست نیاوریم. این مستند ساز است که می‌رود در دل کوه و از بیغوله‌ها آن حقیقت را در می‌آورد.

شما شان نزولی این دوربین و جشنواره عمار و این تعریف سینمایی را رعایت کردید. دست بچه‌هایی که از شما حمایت کردند. درد نکند. خیلی فیلم قشنگی بود و طولانی بودنش خوب بود. سیری داشت و مثل یک رمان بود.

باید در رسانه ملی پخش شود و کارشناسان بیایند و صحبت کنند و بعد هم وزا و نماینده‌ها بیایند پاسخ دهند. قوه قضاییه بیاید اینجا جواب دهد که با چه منطقی شلاق می‌زنید؟ کامیون داران اعتراض کردند به زندان می‌اندازید؟ مگر نهمیدی انقلاب اسلامی چی هست و چه چیز را مطالبه می‌کنند؟

این روستا در کنار معدن طلا هست!!!

باید فضای انتقاد را باز کرد این جوری است که رهبری تنها نمی‌ماند. مستند ساز است که این کار را می‌تواند انجام می‌دهد. چند نفر آدم متعهد با دوربین به تکاب می‌روند تا از روستایی که کنار معدن طلا هست فیلم بگیرند. چرا باید کنار معدن طلا اون جوری زندگی کنند!!! مگر این‌جا آفریقا هست. یا کنگو هست. مستند سازان انقلابی مثل سونامی می‌آید کسی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. این مستند سازی است که می‌تواند مشکلات را حلش کند. هزارتا تجمع، کار ۴ تا مستند ساز که در دل کار می‌روند و حقایق رو نشان میدهند را نمی‌کنند.

مستند شما انقلاب را بیمه می‌کند

فقط باید مراقب باشیم که این‌ها به رسانه ملی بیایند این فیلم‌ها فقط مال سالن نمایش نیست. این کار شما انقلاب را بیمه می‌کند. من لذت بردم. این هم بگویم که بی‌بی‌سی یا صدای آمریکا پخش کرد. بهانه بیاریم. این‌ها مهم نیست ما به ضد انقلاب و دشمن چه کار داریم. ما باید کار و وظیفه خودمان را انجام دهیم. اینکه بعد از سی و هفت سال این فیلم را می‌شود ساخت و در سالن به نمایش گذاشت این قدرت وضعی کشور هست. این‌که رسانه از وضع خودش انتقاد کند این خودش قدرت نظامی و جنگ نرم هست. من خیلی خوشحال هستم بقیه آثار را هم که دیدم همین‌طور بود. عمار از این نظر جایگاه متفاوتی دارد.



علی طادی:

«ایستادگی در آسمان»؛ یعنی سر حرفمان هستیم

همکاری با ما انجام نمی‌دادند.

درباره جشنواره عمار

قبل از جشنواره عمار هیچ کس بچه‌های انقلابی را تحویل نمی‌گرفت حتی کارگردان‌هایی مثل حاتمی‌کیا و مجیدی، در حالی که آنها با جان و دل و مشقت فراوان کاری را تولید می‌کردند اثرشان دیده نمی‌شد و بایکوت شده بودند ولی عمار شروع خوبی برای شروع جریان انقلابی بود. وی افزود: جشنواره عمار به محلی تبدیل شده است که انقلابی‌ها و مذهبی‌ها کارهایشان را به نمایش بگذارند و در آنجا با هم رقابت کنند و از لحاظ کیفی هم می‌توانم بگویم تا الان روند صعودی داشته است.

کسانی که سال‌های گذشته در عمار شرکت می‌کردند الان در حال ساخت فیلم‌های بلند و داستانی هستند و دیگر کسی نمی‌تواند بایکوتشان کند؛ این دستاورد عمار است.

درباره نحوه انتخاب موضوع به فیلمسازان گفت: انتخاب موضوع از دغدغه بیرون می‌آید؛ حاتمی‌کیا هم که می‌خواهد فیلم بسازد سراغ فیلم اکشن نمی‌رود بلکه حرفش را در همان قالب می‌زند.

از مخاطبان عمار تشکر می‌کنم که از افراد انقلابی حمایت کرده و باعث ماندگاری این جشنواره شدند.

هدف از ساخت مستند

همانطور که از اسم این مستند هم مشخص است ما قصد داشتیم ایستادگی را نشان دهیم که اگر ما موضعی بگیریم سر حرفمان هستیم حتی اگر مانعمان شوند.

کسانی که سال‌های گذشته در عمار شرکت می‌کردند الان در حال ساخت فیلم‌های بلند و داستانی هستند و دیگر کسی نمی‌تواند بایکوتشان کند؛ این دستاورد عمار است.

هوایم‌ای ایران در فرودگاه صنعا نشست ولی عزتمندان نشست به طوری که آنها تا پای مرگ رفتند ولی از موضع خود کوتاه نیامدند.

مشکلات ساخت مستند

مشکلی که در ساخت این مستند برای ما پیش آمد این بود که علیرغم تلاش‌های ما برای مصاحبه، شرکت هوایم‌ای ماهان در راستای مصاحبه و دادن اطلاعات هیچ‌گونه

علی طادی، کارگردان ۲۵ ساله مستند «ایستادگی در آسمان» گفت: بنده قبل از سال ۸۸ پیگیر مستندسازی بودم و در جلسات نقد و بررسی شرکت می‌کردم تا اینکه بستری فراهم شد و یک کار داستانی با دوستانمان ساختیم ولی چون هزینه بردار بود به مستندسازی روی آوردیم که «بوستان خانواده» و «محیط امن» را تهیه کنندگی و اولین مستند را با عنوان «شادی وحشتناک» در سال ۹۲ کارگردانی کردم.

موضوع مستند «ایستادگی در آسمان»

موضوع این مستند درباره خلبانی است که قصد دارد کمک‌های بشر دوستانه ایران را به کشور یمن برساند ولی در بین راه یک جنگنده سعودی به او نزدیک شده و هشدار بازگشت به او می‌دهد اما خلبان به مأموریت خود ادامه می‌دهد.

موضوع این مستند یکی از دغدغه‌های ما بود که بعد از دنبال کردن سوژه متوجه شدیم که این اتفاق ظرفیت تصویری شدن را دارد ولی چون شرایط رفتن به آنجا وجود نداشت این کار را با استفاده از تصاویر آرشیوی و در حد بضاعت خودمان تولید کردیم.

شهابی نژاد از «اندیمشک در آتش» می گوید

طولانی ترین حمله هوایی عراق به ایران

دستی استان خوزستان در دست تولید دارم.

حضور در جشنواره عمار:

بنده تاکنون در جشنواره‌های مختلفی نظیر جشنواره «حقیقت»، «فیلم کوتاه» و... بوده‌ام و از سال گذشته هم با جشنواره عمار آشنا شدم؛ به نظر من این جشنواره تا الان تأثیرات خوبی داشته و می‌تواند رشد خودش را ادامه دهد.

وی افزود: موضوعاتی مثل انقلاب اسلامی، مدافعان حرم یا اقتصاد مقاومتی مباحث مهمی در حوزه فیلمسازی است که جشنواره عمار می‌تواند به القای این مفاهیم کمک کند.

تغییراتی که جشنواره عمار می‌تواند در حوزه سینما ایجاد کند:

در سال‌های گذشته در جشنواره دیگری شرکت کرده‌ام که کار آنها بسیار خوب بود ولی متأسفانه الان چندین سال است که احساس می‌کنم فضای برای بچه‌های خاص مد نظرشان است و امیدوارم این نگاه در جشنواره عمار نباشد.

وی افزود: مشکل ما این است که خیلی وقت‌ها در انتخاب آثار جشنواره‌ها رابطه استاد و شاگرد پیش می‌آید یا افراد شهرستانی را نادیده می‌گیرند که امیدوارم جشنواره عمار کیفی نگاه کند و آثار شاخص برایش مهم باشد.

است.

مشکل دیگر این بود که در شهرستان‌های کوچک به دلیل آشنا نبودن با مقوله فیلمسازی همکاری مناسبی صورت نمی‌گرفت و این به کار ما بسیار ضربه می‌زند.

دو اثر دیگر:

مستند «خاک سبز» در رابطه با چند قطعه زمین بیابانی در اطراف خرمشهر است که به واسطه فناوری‌های جدید و زحمات مهندسان ایرانی بازسازی و قابل کشت شده و موضوع «حریم آسمانی» هم درباره حضور و نقش زنان استان خوزستان در هشت سال دفاع مقدس است.

مشکلات ساخت «حریم آسمانی»:

از مشکلات این کار محدودیت زنان بود که به راحتی حاضر به مصاحبه نمی‌شدند و حتی بسیاری مقاومت آن زمان را وظیفه و صحبت درباره آن را درست نمی‌دانستند.

مشکلات ساخت مستند «خاک سبز»:

مهمترین مساله این مستند تصویربرداری در دمای بالای ۵۰ درجه بیابان‌های خرمشهر بود که ما با انجام این کار سخت و تولید این مستند شیرینی دلخواه خود را به دست آوردیم.

مستندهای در دست تولید:

در حال حاضر اثری در رابطه با اربعین و یک مجموعه ۵ قسمتی تلویزیونی با موضوع صنایع

«علی شهابی نژاد» متولد سال ۱۳۵۵ شهرستان آبادان که مستند «اندیمشک در آتش» را کارگردان کرده است

آشنایی با مستند سازی: بنده از سال ۱۳۸۰ در تلویزیون آبادان مشغول به کار شدم و بواسطه کار در آنجا با مستندسازی آشنا شدم که تا الان حدود ۴۰ مستند، دو مجموعه داستانی و ۶ فیلم کوتاه ساختم و امسال هم سه اثر با نام‌های «اندیمشک در آتش»، «حریم آسمانی» و «خاک سبز» به جشنواره عمار ارسال کرده‌ام.

موضوع مستند «اندیمشک در آتش»:

در این اثر به طولانی‌ترین حمله هوایی عراق به ایران پرداخته‌ایم که سال ۱۳۶۵ در شهرستان اندیمشک اتفاق افتاد؛ طی این عملیات ۵۴ فروند هواپیمای جنگی وظیفه بمباران این شهر را بر عهده داشتند که عده زیادی شهید و مجروح شدند.

هدف از ساخت مستند:

یک کارگردان تلویزیونی همیشه در بین مردم حضور دارد و به اطراف خود خوب نگاه می‌کند که این باعث می‌شود ایده‌های خوبی برای ساخت بیاید و با توجه به تجربه و دغدغه بنده در حوزه دفاع مقدس، تصمیم به تولید مستندی با این موضوع گرفتم.

مشکلات ساخت این مستند:

مردم اندیمشک هنوز این اتفاق را فراموش نکرده‌اند و روی آن بسیار حساس هستند صحبت درباره این موضوع برایشان سخت



۵

گفت و گو





نقدی بر مستند اندیمشک در آتش

مستندی که جای آن در تلویزیون خالی است

باشند که در عین حال موضوعاتی را که برای استمرار هویت تاریخی و فرهنگی جامعه مفید هستند در عرصه عمومی جامعه مطرح سازند. مستند «اندیمشک در آتش» نمونه قابل قبولی از این سنخ مستندهاست. مستندهایی که اطلاع رسان هستند، روایت خود را روان و پذیرفتنی عرضه می‌کنند، هرچند که در عین حال به لحاظ زیباشناختی فاقد ظرافت‌های عالی و سنجیده می‌باشند. از این باب، فیلمی همچون «اندیمشک در آتش» چندان درخور نمایش در سالن و بر پرده سینما نیست. چون کاستی‌های فنی و زیباشناختی آن ده‌ها برابر بزرگ‌تر به چشم می‌آیند.

روایت در مستند متعارف «اندیمشک در آتش» بیشتر بر ترکیب عناصر گفتارمتن، مصاحبه (هم از نوع رسمی-استودیویی و هم از نوع صمیمانه و همدلانه)، صحنه‌های نمایشی (بازسازی شده) و منابع آرشیوی متکی است.

استفاده از منابع آرشیوی از قبیل عکس و فیلم، در اغلب موارد حساب شده و مؤثر برای پرورده ساختن روایت صورت پذیرفته است که نشان از صرف وقت و دقت برای گردآوری و انتخاب مواد آرشیوی است. علاوه بر این، پردازش این تصاویر، با تمهیداتی مثل صداگذاری و افزودن موسیقی متن انتخابی، جنبه نمایشی این تصاویر را تقویت کرده است. موارد کمی از تصاویر آرشیوی یکسره غیرمرتبط با محدوده زمانی و مکانی روایت‌اند و همچنین تعدادی از نماها مربوط به فیلم‌های داستانی دفاع مقدس هستند که بهتر بود در جهت حفظ یکپارچگی ساختار تصویری و فضاسازی روایی فیلم، از این نوع منابع آرشیوی استفاده نمی‌شد.

است، «اندیمشک در آتش» را برای نمایش بر پرده بزرگ سینما نامناسب می‌سازد. اما باید گفت با در نظر گرفتن معیارهای ساخت مستند برای تلویزیون، این فیلم از آن دسته فیلم‌های مستندی است که جای آنها در کنداکتور پخش شبکه‌های تلویزیونی سیمای جمهوری اسلامی ایران خالی است. مستندهایی بی ادعا و روان که می‌توانند بخشی از تاریخ نزدیک کشور را به مخاطبان خود معرفی کنند.

این مستند به دلیل عدم پرداخت دقیق و با ظرافت جزئیات نمایشی و روایی، با زیباشناسی رسانه سینما همخوانی چندانی ندارد، اما ویژگی‌هایی همچون فرآیند تولید سبک، بازسازی‌های مختصر و ساده‌سازی شده و وابستگی به گفتارمتن اطلاع رسان و مصاحبه، که در اجرای همگی آنها از سطح متوسطی برخوردار است، آن را به ساختارهای مورد انتظار مستندهای تلویزیونی نزدیک می‌کند.

باید توجه داشت که نباید از همه تولیدات مستند انتظار فنی و هنری حداکثری داشت. به طور مشخص، وقتی پای تلویزیون در میان باشد، درصدی از اغماض و چشم پوشی در این زمینه‌ها مطلوب است. زیرا اساساً برقراری ارتباط پذیرفتنی، مستقیم، بی‌پیرایه و بدون لکننت با مخاطب در رسانه تلویزیون، بر رعایت هنجارهای فنی و هنری و بداعت و ظرافت در بیان زیباشناختی، فضیلت دارد. تلویزیون به مستندهایی میان‌مایه به لحاظ توسعه یافتگی زیباشناختی و فنی و نیز هزینه‌های تولید نیاز دارد که اولاً از حداقل‌هایی از کیفیت‌های ارتباطی مورد انتظار از روایت‌های برخط‌دار باشند و ثانیاً از روایتی جذب‌کننده برخوردار

یکی از کارکردهای مهم فیلم مستند در طول تاریخ آن، بازسازی جذاب و هدفمند وقایع مهم تاریخی و اجتماعی تاریخ نزدیک در جوامع مختلف بوده است. به ویژه از زمانی که تلویزیون خود را به عنوان پایگاه اصلی انتشار فیلم‌های مستند تثبیت کرد، این رویکرد در مستندسازی قوت بیشتری یافت. تا جایی که این شکل از مستندسازی اطلاع رسان و توصیفی، به صورت غالب فیلم‌های مستند در تلویزیون مبدل شد. از این رو، تدریجاً اصطلاح «مستند متعارف» درباره این شکل از فیلم مستند متداول شد که در طول زمان و با گسترش مطالعات فیلم مستند، قواعد ساختاری ساخت این گونه از مستندها نظریه مند شد.

«اندیمشک در آتش» بیشتر از این جنبه فیلمی در خور توجه است. این فیلم، مستندی متعارف و توصیفی است که به مرور وقایع مربوط به حمله هوایی ارتش رژیم بعث عراق به شهر اندیمشک در تاریخ چهارم آبان ۱۳۶۵ می‌پردازد و برای عمق بخشیدن به روایت توصیفی، خطی و اطلاع رسان خود، از بیان خاطرات اهالی این شهر، شاهدان عینی ماجرا، آسیب دیدگان و برخی خانواده‌های شهیدان واقعه استفاده کرده است. کارگردان این فیلم علی شهبانی است و فیلم برای شبکه استانی خوزستان تولید شده است.

مستند «اندیمشک در آتش»، مستندی بی ادعا در پرداخت جزئیات نمایشی روایت است که کوشیده است کلیت یک ماجرای تاریخی را به مخاطبان خود بشناساند. ناپرداختگی زیباشناختی فیلم که بویژه در کاستی‌های تدوینی و صحنه‌های بازسازی شده عیان

گفتارمتن فیلم، یک گفتارمتن اطلاع رسان و دانای کل است، اما این دانای کل در ارائه اطلاعات، بی دلیل سخاوتمندی به خرج نمی‌دهد و این ویژگی به گیرایی روایت و شکل‌گیری زمینه‌های نمایشی فیلم کمک مهمی می‌کند.

مصاحبه‌ها دیگر منبع عمده ارائه اطلاعات در فیلم محسوب می‌شوند. این مصاحبه‌ها، هم به سبک مصاحبه‌های رسمی استودیویی و هم به سبک مصاحبه‌های همدلانه و بدون تکلفات حرفه‌ای در فیلم گنجانده شده‌اند. مصاحبه‌های همدلانه، به لحاظ هنجارهای فنی سبک‌تر و آزادتر است و معمولاً فاقد حساسیت‌های بالا در زمینه نورپردازی و کیفیت ضبط صداست. علاوه بر این، مصاحبه همدلانه از منظر میزانسن اختیار عمل بیشتری به مصاحبه شونده می‌دهد. معمولاً مصاحبه در فضاهایی صورت می‌گیرد که بستگی خاصی به مصاحبه شونده دارد؛ مثلاً در خانه یا محل کار یا پاتوق مورد علاقه اش و نظایر آن. در این فیلم، مصاحبه‌های همدلانه در محل‌های بروز حادثه و حضور شاهدان عینی در زمان وقوع، ترتیب داده شده‌اند. این روش باعث می‌شود، مصاحبه شونده با راحتی بیشتری در مورد آنچه می‌خواهد سخن بگوید و برای حرف زدن درباره آن اشتیاق و آمادگی روانی بیشتری پیدا کند. مصاحبه‌های استودیویی - رسمی اما بیشتر بر رعایت هنجارهای فنی و ثبت با کیفیت تصویر و صدا تمرکز دارند و اغلب با حضور کارشناسان و صاحب نظران ترتیب داده می‌شوند. نورپردازی حرفه‌ای، و ثبت صدای شفاف و بدون مزاحم، از ویژگی‌های ساختاری مصاحبه‌های رسمی است که در این فیلم نیز به کار بسته شده است.

صحنه‌های نمایشی یا بازسازی شده فیلم،

به خوبی با مصاحبه‌ها، اطلاعات گفتارمتن و بخصوص در موارد با منابع آرشیوی پیوند خورده‌اند و فضای عاطفی و معنایی روایت را کامل کرده‌اند. با این وجود، این صحنه‌ها، در پرداخت ظرایف نمایشی، پخته و سنجیده نیستند. به عنوان مثال، صحنه‌های انفجار در میدان راه آهن اندی‌مشک بسیار کوچک و سبک به لحاظ تولیدی برگزار شده است.

همچنین در همین صحنه لباس فرم سربازان ارتش جمهوری اسلامی، با لباس فرم متداول سربازان ارتش در سال ۱۳۶۵ همخوانی ندارد. این بازسازی‌ها بسیار ساده و سطحی طراحی شده‌اند. با این وجود، به کلیت ساختار فیلم آسیبی وارد نمی‌کنند و به خوبی در مسیر پیشرفت روایت جذب می‌شوند. یکی از دلایل این امر، انتخاب مناسب موقعیت‌هایی است که مورد بازسازی قرار گرفته‌اند. موقعیت‌های واقعی انتخاب شده برای بازسازی، در خود از نوعی تعلیق برای تبدیل شدن به یک موقعیت نمایشی برخوردار هستند. مثلاً راننده لوکوموتیو در حالی که جنگنده‌های ارتش بعث عراق در آسمان اندی‌مشک در حال مانور هستند، باید لوکوموتیوها را از تیررس این جنگنده‌ها دور سازد و به پناهگاه منتقل کند. این موقعیت که در آن هر لحظه احتمال پرتاب شدن بمب وجود دارد، درگیر نوعی التهاب درونی است. همچنین زمانی که سربازان نیروی زمینی ارتش را در اطراف میدان راه آهن منتظر ورود قطار برای اعزام به مناطق جنگی می‌بینیم، این آگاهی که جنگنده‌های ارتش عراق در نزدیکی آنها هستند و به زودی میدان راه آهن را بمباران خواهند کرد، تنهایی نمایشی به موقعیت می‌بخشد. چیزی که تعلیق این موقعیت‌های مناسب و سنجیده انتخاب شده

را به یک تعلیق کلاسیک بدل کرده است، آگاهی ما از فرجام رویداد تاریخی ای است که در حال تماشا کردن آن هستیم. یعنی ما از طریق روایت خود فیلم اطلاع پیدا می‌کنیم که چه اتفاقی در انتظار راننده لوکوموتیو و سربازان ارتش است، اما اینکه چگونه این اتفاق به وقوع می‌پیوندد و نتیجه به چه ترتیب رقم می‌خورد را در قالب بازسازی نمایشی دنبال می‌کنیم. به این بازسازی‌های نمایشی باید کیفیت بازسازی‌های گرافیکی را نیز افزود. این بازسازی‌ها هم به شکلی ساده و فارغ از جزئیات پردازی‌های موشکافانه، مانور جنگنده‌های عراقی بر فراز آسمان اندی‌مشک نمایش می‌دهند و به خوبی با مصاحبه‌ها و صحنه‌های آرشیوی پیوند می‌خورند.

دلیل دوم جذب شدن موفقیت آمیز این بازسازی‌های گرافیکی و نمایشی در مستند «اندی‌مشک در آتش»، علیرغم سادگی و سطحی بودن اجرای آنها، یکدست بودن سطح کیفی فنی و زیباشناختی بازسازی‌هاست. تکرار بازسازی‌ها با سادگی و کلی بودن شان، به سبکی برای بازسازی‌های فیلم تبدیل می‌شود که در طول روایت بین فیلم و مخاطبان قرارداد می‌شود. در واقع، سطح انتظار مخاطب از کیفیت فنی و زیباشناختی صحنه‌های بازسازی در طول روایت، به درستی مدیریت می‌شود.

تمام ویژگی‌های ذکر شده، فیلم مستند «اندی‌مشک در آتش» را مجموعاً کاری قابل قبول می‌سازد که به ویژه مختص رسانه تلویزیون است. همچنین موضوع محوری روایت این فیلم، بخش مهمی از حافظه تاریخی و فرهنگی و هویت بومی مردم ایران را بازسازی و بازنمایی کرده است که این امر ارزش ویژه ای به فیلم می‌بخشد.





عمار؛ دیگری ایده آلیسم فانتزی و رادیکالیسم کور

حجت الاسلام علی جعفری

عمار هم آیین و هم آئینه جناح فرهنگی

مو من

«عمار» یک مناسک هنری پسانقلابی است. تولد عمار به نسبت دیگر آئینهای الهام بخش پسانقلابی مثل راهپیماییهای ۱۳ آبان، اردوهای راهیان نور، اعتکافهای دانشجویی، مراسم تشییع شهداء، سفرهای استانی رهبر انقلاب، حسینیه امام خمینی، شاعرانه های نیمه رمضان رهبری انقلاب و... دیرتر اتفاق افتاده است. یکی از دلایل اصلی این ظهور دیر هنگام دل بستن به آیین های هنری فجرانه انقلاب اسلامی بود. این آئینهای هنری مثل جشنواره فیلم، تئاتر و موسیقی علی رغم اینکه به دلیل تولد بیمار یا نارس خود از همان ابتداء میل به واگرایی از انقلاب داشتند و از اواسط دهه هفتاد جز لوگوی فجرانه دلالت انقلابی دیگری نداشتند، به مدد آدرس غلط همین پزند، سالها به دلخوش کنک فرهنگی نظام تبدیل شده بودند. نقطه شروع عمار دقیقاً از رسوایی فجر آغاز شد. باید گفت که جشنواره واقعی فیلم فجر انقلاب اسلامی همین جشنواره عمار است. وجه دیگر این دست و آن دست کردن عمار برای پا گذاشتن به دنیای هنر و رسانه ایران، فقدان اعتماد به نفس در خور بدنه های هنری و فرهنگی انقلابی بود. بیش از دو دهه زمان برد تا جناح مؤمن فرهنگی به خود ایمان بیاورد. در حقیقت نطفه موجودی بنام جناح مؤمن فرهنگی از جشنواره عمار بسته شد و یا حداقل تا پیش از عمار آنچه که امروز بنام جناح مؤمن فرهنگی موسوم است، بستری برای تبلور وجه جناحی و جریانی خود نداشت. عمار هم آیین و هم آئینه جناح مؤمن فرهنگی است. تا پیش از عمار تشکل نیروها و عناصر فرهنگی انقلاب بیش از یک جریان جویباری نبود. بعد از انحلال حوزه هنری صدر انقلاب اسلامی تا تولد عمار وجه جناحی و سیلابی نیروهای هنری و

فرهنگی انقلاب مدام تضعیف شده بود و آحاد و بدنه ها عمدتاً به مثابه جویبارهای پراکنده ای ادامه حیات می دادند. این عمار بود که لااقل برای یکبار در سال به جریان جویباری مژه حرکتها و هویتهای سیلابی را چشاند تا اعتماد به نفس این جریان را در حد بازسازی «جناح مؤمن» فرهنگی ارتقاء دهد. اگر حوزه هنری صدر انقلاب اسلامی کانون الهام بخش و نبض تپنده هنر انقلاب در دهه شصت و مؤسسه روایت فتح کانون هنر انقلاب در دهه هفتاد بود، جشنواره عمار مبدأ الهام بخش هنر و رسانه انقلاب در دهه هشتاد و نیمه اول نود انقلاب است. عمار همچنین رواق جامعه پذیری انقلابی نسلهای سوم و چهارم و حتی پنجم هنر و رسانه انقلاب در دهه نود است.

عمار آیین گرامیداشت «هنر جمهور» است. هنر جمهور نقطه مقابل هنر اشراف است. هنرمند عمار، خود برآمده از جمهور است و نیز برای جمهور خلق می کند.

عمار کانون انتقال میراث رسانه ای و هنری جناح مؤمن متقدم به نسلهای بعد از خود است.

ماهیت مناسکی اصلی ترین دلیل مانایی عمار

ماهیت «مناسکی» و نه «سازمانی» و نه «مؤسسه» ای عمار یکی از دلایل اصلی مانایی کارکردی و نیز تداوم اصالت انقلابی آن است. افول حوزه هنری صدر انقلاب و بعد از آن افول پساوینی مؤسسه روایت فتح، عمارتون را بر آن داشت که اینبار بجای سازمان و

مؤسسه، «جشن» را به رمزگان تطور هویتی و تکاپوی هنری خود برگزینند. به نظر می رسد که ظرفیتهای متنی و فرامتنی جشن به مثابه یک مناسک هنری همگرایی بیشتری با جهتگیریهای فرهنگی و هنری جناح مؤمن فرهنگی داشته باشد و یلااقل آورده آن به نسبت هزینه ای که می برد برای هنر و رسانه انقلاب بیشتر باشد. مهارت و تجارب حزب اللهیها در برگزاری مناسک جشنی مثل «شب خاطره»، «اردوهای زیارتی و سیاحتی»، «راهیان نور»، «شبهای شعر انقلاب»، «شامگاههای بسیج»، «کوهنوردی های کلک چالی» و مواردی از این دست، موجب شد که عمار به اتکاء همین ظرفیتهای درون زا به یک آیین متمایز، الهام بخش و واجد مکانیزمهای پیشرفته جامعه پذیری هنری تبدیل گردد. عمار علی رغم عنوان مرسوم «جشنواره ای» آن (festival)، به صورت هوشمندانه ای یک «جشن» (celebrity) است. «جشن» یک آیین هنری هویتی و صنفی است در حالیکه «جشنواره» یک آیین هنری موضوعی یا سبکی است. در جشن آورده های تولیدی یک صنف هنری در طول تقویم سالانه هنری، هرچه که باشد، به میدان ارزیابی و واکاوی و نکوداشت آورده می شود. به عبارت دیگر جشن فقط بهانه گرامیداشت هویت هنری و فرهنگی فعالین همگراست. در حالیکه در جشنواره آنچه بیش از هویت حرفه ای و فرهنگی پاس داشته می شود نکوداشت آخرین و بهترین فرآورده های هنری در اولویتهای موضوعی یا سبکی جشنواره است. عمار به جهت تعهد تمام عیاری که به اصالت حزب اللهی و انقلابی خود می دهد و اولویتی که برای آن قبل از وجه هنری و رسانه ای خود قائل است بیش از این که «جشنواره جهت دهی» باشد، یک «جشن جهت داری» است. عمار آیین گرامیداشت جهت داری انقلابی در عرصه هنر و رسانه است. عمار به شرکت کنندگانش



رسانه نقش مهمی در نمایش مردم دارد؛ اما برای این‌که همگان منظورش را بفهمند، ناگزیر از رعایت استانداردهایی است. مهمترین استانداردسازی که رخ می‌دهد، استانداردسازی زبان و پوشش است. تلویزیون، رادیو، و مطبوعات با زبان فارسی معیار سخن می‌گویند تا پیام را تمام ایران بدرستی و یکسان دریافت کنند. درک درست و یکسان عاملی است که در عین کارکردی بودنش، کژکارکرد و مخرب می‌شود. در عین خدمتی که ارائه می‌کند به پیکره دیگری از اجتماع آسیب می‌زند؛ چون باعث نادیده گرفتن می‌شود. نادیده گرفتن زبان‌ها و گویش‌های محلی ایران مانند ترکی، کردی، لری، بلوچی، عربی و... هر نقطه ایران که پای بگذاری، لهجه‌ای خاص می‌یابی که در عین شباهتش با مناطق هم‌جوار اندکی تفاوت دارد.

با تأکید بر زبان معیار، گویش‌های محلی سانسور می‌شوند و در گام بعد با استفاده ابزاری از زبانهای غیرمعیار برای تمسخر یا لودگی و فکاهه، آسیب‌های دیگری به جز نادیدگی، بر زبان وارد می‌شود که یکی از مهمترین‌هایش از بین رفتن اعتماد به نفس سخن گفتن با لهجه است. و این یعنی مرگ زبان! این کاهش اعتماد به نفس را امروز در جای جای ایران شاهدیم. مردمان ما کم‌کم عارشان می‌کند با لهجه سخن بگویند، چون تهرانی نیست و فعلاً تهران مرکز عالم است. اتفاقی که در غالب فیلم‌های عمار رخ می‌دهد، تولید فیلم با گویش‌های محلی و زبان‌های قومی است. مشکل سوژه نیست که مخاطب زبانش را نمی‌فهمد. او ناگزیر از سخن گفتن است و این زبان، زبان سالیان سال، تاریخ اجداد اوست. اگر زبان او را نمی‌فهمد زبان او زیرنویس می‌شود. و این اتفاق یعنی ضربه خوردن به زبانهای محلی، زنده ماندن و حیاتشان.

و نیز برای جمهور خلق می‌کند. لطافت جمهوری عمار حدت انقلابی او را به تعادل می‌رساند؛ به همین جهت آرمانگرایی او کمتر از همه گونه‌های آرمانگرایی نه میل به ایده آلیسم فانتزی سینمای معنویت‌گرا دارد و نه میل به رادیکالیسم کور سینمای سیاه نما. عمار هنر جمهور و در برابر هنر اشراف است؛ اشرافیت از همه نوع آن نه تنها پشت درب فیلترینگ عمار می‌ماند بلکه از پنجره‌های رو به بیرون آن مورد هدف قرار می‌گیرند. اشرافیت اقتصادی، اشرافیت هنری و فرهنگی، اشرافیت سیاسی و امنیتی، اشرافیت دیوان سالار و بروکراتیک، اشرافیت اجتماعی و سلبریتیک همه و همه دیگرپهای جمهوری عمار هستند. در عمار همه حیثیتها در جریان زلال «مردم» به مثابه «ولی نعمتان» حل می‌شود. عمار نه مسجد را در برابر سینما تعریف می‌کند نه سینما را در برابر مسجد؛ عمار مسجد را به سینما می‌آورد و سینما را به مسجد می‌برد. عمار نه هنر را بهانه سودجویی اقتصادی می‌کند و نه گذران از راه تولید هنری را تخطئه می‌نماید؛ عمار هنرپاک را پشتیبان اقتصاد پاک و پشتیبانی حلال از تولید هنری را ضامن پاک بودگی هنر می‌داند. عمار با سیاستیون نه پدرکشتگی دارد و نه خویش و قومی؛ عمار همانقدر که مدیریت فرهنگی سیاستیون را در خدمت هنر پیش برده می‌خواهد، هنر انقلابی را نیز در پشتیبانی از انگیزه‌ها و عملکردهای انقلابی سیاستیون سینه سپر به میدان می‌آورد. آرمان عمار «آرمانگرایی واقع بینانه» است. او همواره در تلاش است که مزیت‌ها و محدودیتهای «نهضت» و «نظام»، هر دو، را در نظر داشته باشد. نظام عمار نه از جنس نظم جشنواره فجر بریده از انقلاب است و انقلاب عمار نه از جنس طغیان قمه زنیهای بریده از نظام.

یاد می‌دهد که جهت داری در عرصه هنر نه تنها عیب نیست بلکه مزیت نسبی و بیش از آن مبدأ شرافت هنر و هنرمند است. عمار اگر هم کارکردی در جهت دهی داشته باشد جهت دهی به اصل جهت داری است. عمار بزرگتر از آن است که هدف آن جهت دادن به هنرمندان باشد؛ جهت دار شدن/جهت دار بودن هنرمندان نه هدف عمار بلکه مبدأ عمار است. عمار جشن سالانه نکوداشت هنرمندان و رسانه ای‌های جهت دار است. جوایز عمار بیش از وجوه فرمی به گرایش هویتی آثار اعطاء می‌شود. عمار جنین‌های هنری سقط شده انقلابی را به شاهکارهای هنری بدون پدر

عمار علی رغم عنوان مرسوم «جشنواره ای» آن (lavitsef)، به صورت هوشمندانه ای یک «جشن (ytirbelec)» است. «جشن» یک آیین هنری هویتی و صنفی است در حالی که «جشنواره» یک آیین هنری موضوعی یا سبکی است.

و مادر ترجیح می‌دهد. صدالبته که «جشن امروز عمار» باید با «جشنواره فردای عمار» تکمیل گردد. اینک و بعد از قریب به یک دهه تکاپوی هویتی و جشنی وقت آن رسیده که جناح مؤمن انقلابی «جشنواره هنری و رسانه ای» خود را داشته باشد تا در چارچوب آن وجوه فرمی هنر و رسانه انقلاب به ارزیابی و بازخوانی و نکوداشت گذارده شود.

■ جشن مردمی، جشنواره انقلابی عمار آیین گرامیداشت «هنر جمهور» است. هنر جمهور نقطه مقابل هنر اشراف است. هنرمند عمار، خود برآمده از جمهور است





کارگردان اصفهانی از مستندهایش می گوید

از مکانیزه تا قاطریزه

خود برانکاردی روی قاطرها طراحی کرده بودند که هدف ما معرفی این افراد گمنام بود. به دلیل در دسترس نبودن آرشیوهای لازم مجبور شدیم قسمتی از فیلم را بازسازی کنیم که در کنار آن مشکلاتی از قبیل حمل و نقل در کوه و در دسترس نبودن قاطر تولید مستند را دشوار می کرد.

■ موضوع مستند «فرشته‌ها هنوز در راهند»:

موضوع این مستند درباره محرومیت‌های منطقه «بشاگرد» است که «حاج عبدالله والی» سال‌ها پیش به آنجا رفته و سعی بر محرومیت زدایی دارد و هنوز هم بعد از فوت حاج عبدالله، برادر ایشان یعنی «حاج محمود والی» در این منطقه فعال هستند.

■ نحوه آشنایی با ایده «فرشته‌ها هنوز در راهند»:

طبق مطالعات و تحقیقاتی که قبلاً درباره مناطق محروم انجام داده بودم از بشاگرد و گروه‌های جهادی که در آنجا بودند مطلع شدم و فهمیدم با گذشت این همه سال از جنگ بشاگرد هنوز در محرومیت است و مردم از آن بی اطلاع هستند.

تاثیرگذاری مستند نسبت به فیلم به مراتب بیشتر است و من هم تلاش کردم با ساخت این کار بگویم که به غیر از مردم پایتخت اشخاص دیگری در این کشور زندگی می کنند که اولویت اول آنها محرومیت زدایی است.

■ مشکلات ساخت مستند «فرشته‌ها هنوز در راهند»:

اولین مشکل این بود که تمام هزینه‌های ساخت این مستند را خودمان تامین کردیم و

کردن از لشکر ۱۴ امام حسین(ع) اصفهان بدست آوردیم و تصمیم گرفتیم با استفاده از منابع موجود مستندی با این موضوع تهیه کنیم .

■ مشکل جشنواره عمار این است که آثار را در یک سطح داوری می کند یعنی کاری که من شخصی تولید کرده‌ام در کنار اثری می آید که با بودجه دولتی ساخته شده است؛ با این وجود سختی کار من در مقابل کسی که با پول دولت و تدوین صدا و سیما در این جشنواره شرکت کرده دیده نمی شود.

■ هدف از ساخت مستند «گردان قاطریزه»:

شرایط کسانی که در جنگ با قاطر کار حمل و نقل را برعهده داشتند بسیار سخت بوده و روزی دو بار مسافت طولانی را طی می کردند تا به خط مقدم برسند، حتی با تجهیزات محدود

«مجتبی خیام الحسینی» کارگردان مستند «گردان قاطریزه‌ها» و «فرشته‌ها هنوز در راهند» از ورود خود به عرصه هنری گفت: بنده به اتفاق دوستان در سال ۸۹ کتابی را با موضوع شخصیت مقام معظم رهبری با استفاده از مصاحبه‌ها، تصاویر و مستندها جمع‌آوری کردیم که آشنایی اولیه من با این عرصه در آن زمان شکل گرفت.

تا الان در جشنواره‌های متعددی حضور داشته‌ام که در دو سال متوالی آثارم جزو برگزیدگان بوده است و امسال هم ۴ مستند را با عناوین «گردان قاطریزه‌ها»، «فرشته‌ها هنوز در راهند»، «یک بسیجی ساده» و «مهمان مامان» به هفتمین جشنواره عمار ارسال کرده‌ام.

■ موضوع مستند «گردان قاطریزه‌ها»:

در زمان جنگ گردانی وجود داشت که به دلیل شرایط سخت حمل و نقلی کردستان مجبور بودند مهمات و زخمی‌هایشان را با قاطر انتقال دهند و قاطریزه هم اشاره به قاطرهایی دارد که جایگزین ماشین‌های لشکر مکانیزه شده بودند.

ایده ساخت این مستند با دیدن تصاویر آرشیوی این گردان کلید خورد که با پیگیری



گفت و گو

دولتی ساخته شده است؛ با این وجود سختی کار من در مقابل کسی که با پول دولت و تدوین صدا و سیما در این جشنواره شرکت کرده دیده نمی‌شود.

مشکل عمار این است که بیش از حد به مسائل محتوایی در مقابل مسائل فنی اهمیت می‌دهد به طور مثال در دوره قبلی جشنواره مستندهایی جایزه گرفته بودند که گرچه از لحاظ محتوایی قوی بودند ولی از نظر فنی هیچ مشخصه‌ای از مستند خوب را نداشتند. خیام الحسینی در ادامه تصریح کرد: مشکل دیگر عمار در انتخاب سلیقه‌ای کارها است یعنی ملاک‌های داوری و انتخاب فیلمشان خیلی در قالب جشنواره نیست.

موضوعات مهم فیلمسازی

موضوعات مهمی که فیلم سازان باید بیشتر به آن بپردازند مسائل اجتماعی و بحث تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی است.

قبل از این که دیگران تاریخ شفاهی ما را برای خودمان تعریف کنند باید شخصا این کار را انجام دهیم؛ همین الان تاریخ شفاهی زیادی دست مردم است که باید جمع‌آوری کرد تا دیده شود.

خیلی وقتها هزینه‌های دولتی کلانی به آثاری تعلق می‌گیرد که هیچ جهت‌گیری با انقلاب اسلامی ندارند و در عوض آثار انقلابی‌ها در جایی پخش نمی‌شود که می‌توانیم بگوییم اگر شبکه افق هم نبود بسیاری از مشکلات مستند سازان پابرجا بود.

در پایان هم از بچه‌های «خانه مستند انقلاب» به دلیل حمایتشان تشکر می‌کنم که باعث شدند ما شهرستانی‌ها هم در کنار بچه‌های پایتخت دیده بشویم.

دومین مشکل وسعت منطقه بشاگرد و نبودن راه‌های ارتباطی به این شهر بود به طوری که راه آسفالتی برای رسیدن به این شهر وجود نداشت و باید از راه کوه با ماشین‌های مخصوص به آنجا می‌رفتیم.

موضوع مستند «مهمان مامان»:

این مستند درباره زندگی شهید «مسعود آخوندی» به روایت مادرش است که وابستگی زیادی به او دارد به نحوی که پس‌گذشت سال‌های متمادی از شهادت پسرش، هنوز پیراهن مشکی می‌پوشد.

هدف از ساخت مستند «مهمان ما ما ن»:

حرف ما در این مستند این بود که بر خلاف تصور عده‌ای که فکر می‌کنند رزمندگان حاضر در جبهه یک سری بسیجی ساده بودند، ما قشری نخبه و تحصیل کرده در میدان داشتیم و یا اینکه تصور می‌کنند خانواده‌ها خیلی راحت فرزندانشان را به جبهه می‌فرستادند و وابستگی خاصی به آنها نداشتند در صورتی که مادر این شهید هنوز پیراهن مشکی بر تن دارد.

موضوع مستند «بسیجی ساده»:

این مستند درباره زندگی شهید «مسعود مقیمی زاده» دانشجوی رشته متالوژی دانشگاه صنعتی اصفهان است که از شهر ماهشهر برای تحصیل به اصفهان آمده بود.

این مستند را در راستای سخنان مقام معظم رهبری درباره الگو برداری و شناساندن شهدای جهاد سازندگی و علمی کشور به مردم علی‌الخصوص دانشجویانی که تازه وارد دانشگاه می‌شوند تولید کرده‌ایم.

بچه‌های دانشگاه صنعتی این سوژه را به ما معرفی کردند و ما هم پژوهش این مستند را شروع کردیم و متوجه شدیم شهید «مسعود مقیمی زاده» جزو طراحان و بنیان‌گذاران سلاح اژدر بوده ولی اسمی از این شهید در جایی نیامده است.

مشکلاتی ساخت مستند «بسیجی ساده»:

سختی‌هایی که در این کار وجود داشت این بود که خانواده شهید در ماهشهر بودند و هم رزمان شهید در تهران که ما برای مصاحبه و پژوهش مجبور بودیم مدام در حال رفت و آمد باشیم ولی با گذراندن این مراحل مستند خوبی ساختیم که چندین بار از شبکه‌های تلویزیونی پخش شد.

نحوه آشنایی با جشنواره عمار:

آشنایی من با جشنواره عمار به زمانی برمی‌گردد که در برنامه‌های آموزشی دفتر مطالعات که با حضور آقای طالبزاده، اساتید تدوین و تصویربرداران برگزار می‌شد، شرکت کردم.

قبلا بستری برای دیده شدن فیلم‌های انقلاب وجود نداشت حتی شبکه‌ها هم از آنها استقبال نمی‌کردند ولی عمار بستری فراهم کرد که مردم این فیلم‌ها را ببینند حتی در بحث ارکان شرایط را طوری پیش برد که از مسجد گرفته تا سالن‌های تخصصی درگیر آن شدند. این کارگردان در انتقادی به این جشنواره خاطر نشان کرد: به نظر من مشکل جشنواره عمار این است که آثار را در یک سطح داوری می‌کنند یعنی کاری که من شخصی تولید کرده‌ام در کنار اثری می‌آید که با بودجه



سازنده «فیلم ما»

فیلم ما منجر به تشکیل گروه رسانه ای شد

■ برای ساخت مستند مشکلاتی هم داشتید؟

از آنجا که فیلمبرداری مستند را در همان اردویی که با بسیج دانشجویی رفته بودیم، انجام دادیم؛ مشکل عمده ما کمبود زمان بود و هر روز دو یا سه یادمان می رفتیم که در هر یک از آنها باید در همان زمان محدودی که آنجا بودیم همه کارهای لازم را انجام می دادیم. مشکل دیگر ما در مرحله تدوین بود که به خاطر دسترسی نداشتن به تصاویر آرشیوی و مهارت کافی نداشتن، کار برای ما مشکل و زمان بر می شد. اما همین مشکلات باعث شد که به اشتباهاتمان پی ببریم و مهارت های بیشتری را یاد بگیریم.

■ با اختلاف دید گاه ها چگونه کنار می آمدید؟

البته اختلاف نظر جدی وجود نداشت اما دوستم سعه صدر بیشتری داشت و بسیاری از مواقع از نظر خود چشم پوشی می کرد.

■ بعد از انجام کار نسبت به آن احساس رضایت داشتید؟

هر کس نسبت به کاری که انجام می دهد، تعلق خاطر دارد؛ اما چون رضایت مخاطبین برای ما مهم بود، بعد از اینکه مستند را افراد و گروه های مختلف دیدند و با آن ارتباط برقرار کردند این احساس رضایت بیشتر شد.

■ کارهای دیگری هم در دست ساخت دارید؟

بعد از ساخت این مستند پیگیر ایجاد یک گروه رسانه ای در دانشگاه بودیم و مدتی است که این گروه به نام گروه رسانه ای امام سجاد(ع) در دانشگاه علوم پزشکی شیراز تشکیل شده است که هسته مرکزی آن ما سه نفر هستیم و اعضای گروه در دو شاخه فنی و مطالعاتی فعالیت می کنند. یکی از کارهایی هم که به دنبال ساخت آن هستیم، مستندی با موضوع زندگی طلبه شهید مدافع حرم «سعید بیاضی زاده» است که در همان اردو همراه ما بودند.

■ توصیه ای برای دوستان جوان علاقمند به فیلمسازی گروهی؟

البته صحبت بنده تکرار مکررات است، همه می دانیم که رهبرمعظم انقلاب و دوستانی که در این عرصه مثرثر بوده اند همواره بر تأثیر رسانه و اهمیت فیلم سازی تأکید کرده اند و در این جنگ رسانه ای نیاز است که افراد انقلابی و معتقد به ارزشها و آرمان ها، بیش از گذشته وارد این فضا شوند و بتوانند موثر باشند.

بنیامین رحیمی که در دانشگاه علوم پزشکی شیراز به همراه دوستانش، در کنار تحصیل، کار رسانه و فیلمسازی هم انجام می دهند، پذیرای سوالات ما درباره گروه کوچکشان و فراز و نشیب های ساخت مستند دانشجویی شان بود.

■ برای ساخت مستند «سرود خوان جنگ» چند نفر همکاری داشتند؟

این مستند با همکاری چهار نفر ساخته شد که بنده و آقای بهره مند هسته اولیه آن را شکل دادیم و بعد از دوستان دیگر کمک گرفتیم. همکاری ما به این صورت بود که غیر از طرح اولیه و فیلمنامه که آقای بهره مند، تقبل کردند؛ کارگردانی، فیلمبرداری و تدوین فیلم را سه نفری انجام دادیم. با دوستان در دانشگاه آشنا شده بودیم و تفکرات نزدیک به هم داشتیم.

■ چقدر دنبال تخصص و مهارت برای فیلم سازی بودید؟

ما آموزش رسمی و حضوری در جایی ندیده ایم و تنها مطالعات اینترنتی و مجازی در زمینه فیلمسازی داشتیم که با دوست دیگر اطلاعاتی که می گرفتیم تبادل می کردیم و آنها را در اختیار یکدیگر می گذاشتیم.

■ ایده مستند از طرف چه کسی بود؟

ایده این مستند که آقای بهره مند آن را مطرح کردند و درباره یادمان های عملیاتی دفاع مقدس در جنوب کشور است، از جایی شکل گرفت که بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز قبل از اردوی راهیان نور، برنامه ای برای آشنایی دانشجویان با این اردو برگزار می کند و ما تصمیم گرفتیم مستندی برای این منظور بسازیم تا دانشجویان با آگاهی در این اردو شرکت کنند.

■ امکانات و هزینه کار را چطور فراهم کردید؟

اینگونه نبود که امکانات کامل و فراغ بال برای تهیه مستند داشته باشیم و با حداقل امکانات کار کردیم؛ به صورتی که دو دوربین از بسیج دانشجویی و میکروفون و پایه را هم از جایی دیگر امانت گرفتیم و هزینه زیادی هم نیاز نداشتیم، تنها هزینه استودیو بود که آن هم با آشنایی و صحبتی که با مسئول فرهنگی دانشگاه داشتیم، بخش فرهنگی دانشگاه آن را برعهده گرفت و برای گفتار متن هم از کمک دوستان استفاده کردیم.

علی بک از دغدغه نخستین مستندش می‌گوید

«مرثیه ای برای یک رویا»ی دانش آموزی

صدرا علی بک، کارگردان اثر «مرثیه ای برای یک رویا»، دانش آموز مقطع سوم دبیرستان مدرسه علامه حلی تهران است که از دوران نوجوانی به دوربین و فیلمسازی علاقه مند شد و پس از آن زمانی که به دبیرستان پا نهاد به کلاس های فیلمسازی رفت و به همراه دوستانش چند اثر کوتاه گروهی تولید کرد.

صدرا علی بک امسال با نخستین اثر جدی خود با نام «مرثیه ای برای یک رویا» که به نقد و بررسی نظام آموزشی کشور می پردازد، در هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد، در این مستند مصاحبه‌هایی با کارشناسان آموزشی و افراد شاخص در عرصه مدارس استعدادهای درخشان در رابطه با ضرورت وجود این مدارس، اهداف مدارس سمپاد و موانع پیش روی آن انجام شده است. این کارگردان نوجوان، در گفت و گو با خبرنگار نشریه روزانه هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار، به دلایل خود جهت رفتن به سراغ سوژه «مرثیه ای برای یک رویا» اشاره کرد و افزود: با توجه به این که مدرسه بنده زیر مجموعه مدارس سمپاد است، موضوع فیلم را مدارس سمپاد و شیوه این تدریس این مدارس را که کنون به فراموشی سپرده شده قرار دادم.

وی با بیان این که مدارس سمپاد پیش از انقلاب زیر نظر فرح پهلوی جهت تربیت رجال سیاسی راه اندازی شد، اظهار داشت: پس از انقلاب این مدارس به فراموشی سپرده شد تا این که دکتر اژه ای در سال ۶۸ این مجموعه را احیا کرد، تا این که چند سالی است که این مدارس در سراسری سقوط قرار گرفته اند و همانند دیگر مدارس نسبت به امور تحقیقاتی و پژوهشی بی توجهند.

صدرا علی بک، با بیان این که در این مستند به دنبال نشان دادن سقوط این مدارس از مسیر و هدف خود بودیم، خاطر نشان کرد: می خواستیم با ساخت این مستند قدمی کوچک در راستای ارتقاء سطح آموزش کشور برداشته باشیم و انتقاد خود از بی توجهی به آموزش و پرورش کشور را اعلام داریم.

این کارگردان نوجوان با بیان این که این اثر به صورت دانش آموزی و با کمترین حمایت ها ساخته شد، گفت: ما میکروفونمان را برای ضبط صدا از یک هیئت گرفتیم و پس پایان از کار خوشبختانه مؤسسه سفیر فیلم در بحث توزیع و انتشار کمکمان کردند.

وی با اشاره به اتهاماتی که به گروه تولید این اثر پس از عرضه ی کار و دیده شدن آن زده شد، اظهار داشت: متأسفانه عده ای بدون این که کار را ببینند اتهاماتی از جمله جناحی بودن کار و دانش آموزی نبودن مراحل ساخت اثر را به ما زدند، البته در این میان نقدهای منصفانه ای هم به اثر شده است.

صدرا علی بک، جشنواره عمار را فرصتی مغتنم برای معرفی و دیده شدن فیلم های فیلمسازان نقاط مختلف کشور دانست و افزود: دیده شدن برای هر فیلمساز مسئله‌ای مهم و حیاتی است که در فضای جشنواره ای کشور این امکان تا حدودی انحصاری بود و جشنواره عمار این تریبون را در اختیار فیلمسازان انقلابی قرار داده است.

وی با بیان این که هر ساله جشنواره عمار در زمینه های مختلف در حال پیشرفت و گسترش است، اظهار داشت: عاملی که باعث جریان سازی جشنواره عمار شده، این است که زمینه ای ایجاد کرده تا حرف هایی که کمتر به گوش مخاطب می رسید، با زبان هنر منعکس شود.



اکران و تبلیغ

جمال یزدانی

تبلیغ ادبیاتی جاافتاده در حوزه دینی است. مبلغین، به معنای خاص، بخش مهمی از جامعه روحانیت ما را شکل می‌دهند که رسالت رساندن پیام‌ها و آموزه‌های دینی را به عموم مردم دارند. معمولاً یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغ برگزاری مجلس وعظ و خطابه است و این امر با رسانه منبر پیوند خورده است. اکران در واقع همان منبر است. فقط بجای اینکه اکران کننده بر فراز منبر بنشیند پشت دستگاه و ویدیوپروژکشن، به سخنرانی در میان مردم نشسته است.

بیش از این به نظر می‌رسد تفاوت اساسی با مبلغ منبری دارد و آن اینکه علاوه بر گفتگوهای شفاهی و چهره به چهره ای که با مردم دارد عسای هنر را نیز در اختیار دارد که در هر موضوعی متناسب با شرایط و اقتضائات مخاطبینش آن را به کار می‌گیرد. عنصر اساسی تبلیغ رساندن پیام است و دعوت به این امر است. در اینجا اگر اکران کننده حتی هیچ نوع ارتباط عمیقی با مخاطب خود برقرار ننماید، کار ابلاغ را صورت داده است، چون پیام‌ها پیش از این صورتبندی شده‌اند و به تناسب مخاطب پخش می‌گردند.

تفاوت دیگر اکران با تبلیغ در این است که در اینجا مبلغ (اکران کننده) رابطه‌ای که با مخاطب برقرار می‌کند رابطه هم‌ترازی است. در بیان کمترین دخالت را دارد، با او در دیدن پیام مشارکت می‌کند و همین‌ها زمینه برقراری رابطه صمیمانه‌تر برای دو طرف راحت‌تر می‌کند. بنابراین اکران فیلم به راحتی می‌تواند کار تبلیغ و مبلغ را هم به جهت زمانی و هم به جهت اعتباری تسریع نماید. شاید برقراری دوطرفه میان این دو قشر بتواند سطح کاری و میزان اثرگذاری هر دو را ارتقا بخشد.





سرایلو اکران کننده گنبدی:

مهم آشنا شدن جریان خاکستری با انقلاب است

مربوط به فتنه به ویژه اثر «من مدیر جلسه ام» و فیلم دیگری با نام «علمک» درباره عمار: این جشنواره قرار بود یک پیوست اجتماعی داشته باشد و نیروهای مومن و انقلابی را در مسائل محلی و انقلابی کشور درگیر کند و موجب تربیت نیروهای انقلابی شود که تا امروز در این موضوع ضعیف عمل شده است.

آخرین باری که سینما رفتید؟ اعضای خانواده شما اهل سینما رفتن هستند؟ خانواده من زیاد به سینما می‌روند و آخرین مرتبه هفته پیش برای فیلم سیناتور به سینما رفتیم.

فکر می‌کنید مهمترین مکانی که باید در آن اکران بشود کجاست؟ مساجد و مدارس فکر می‌کنید جشنواره عمار بیشتر باید به کدام دسته از مخاطبان توجه کند؟ قشر حزب الهی و مذهبی است و اگر بتواند آنها را با خود همراه کند موفقیت بزرگی کسب کرده است؛ زمانی که حزب الهی ها در این جریان، فعال شوند ضمن شناخت مسئولیت‌های خود می‌توانند تحرکی را در جریان فیلم سازی عمار ایجاد کنند اما نکته مهم آشنا شدن جریان خاکستری و نسل نوجوان و جوان با انقلاب و انقلابی گری است. خانمها چه نقشی می‌توانند در اکران مردمی داشته باشند؟ خانم ها به علت اینکه خیلی آسان دور هم جمع می‌شوند و حتی در میان خود نیز برنامه های اکران دارند نقش مفید و مهمی را در گسترش برنامه های اکران در همه جا از جمله در مراکز فرهنگی و هنری شهرستان گنبد کاووس دارند.

چه سوژه‌هایی در محیط اطراف هست که ضروری است درباره آن فیلم ساخته شود؟ خانواده های شهدای اهل سنت ساکن در شهر گنبد کاووس

فیلم ها و سخنرانی آن‌ها و همچنین تقدیر از هنرمندان شاخص شهرستان گنبد کاووس را برگزار کردیم.

مخاطبان اکران هایتان چه کسانی بودند؟ قشر مذهبی جامعه به ویژه جوانان پرمخاطب ترین اکرانتان چند نفر مخاطب داشت؟ کم مخاطب ترین چطور؟ در مورد پرمخاطب ترین آثار به نمایش درآمده در این شهرستان می‌توانم به مستندهای محلی اشاره کنم.

چگونه تبلیغ می‌کردید؟ بروشور و کاتالوگ هایی در ابعاد مختلف طراحی کرده بودیم و آنها را در ساعت های شلوغ در نماز جمعه، مساجد و امامزاده ها پخش کرده و حتی از پیامک و فضای مجازی برای کار تبلیغاتی خود استفاده می‌کردیم.

مشکلاتتان در مسیر تبلیغ چه بود؟ در ابتدای راه به سبب ناشناس بودن، مشکلاتی همراه ما بود، اما پس از دیدار اعضای دبیرخانه جشنواره با رهبر معظم انقلاب بستر بسیار خوبی برای رشد کمی و کیفی جشنواره و تبلیغات مرتبط با آن فراهم شد.

اکران را یک نفری انجام می‌دهید یا چند نفره؟ اوایل به صورت فردی انجام می‌دادم ولی با گذر زمان و در دوره های بعد به صورت تیمی و گروهی وارد عمل شدیم.

در اکران ها بیشتر با چه مشکلاتی درگیر و روبرو بودید؟ آیا از جیب خودتان خرج کرده اید؟ این مشکلات از حوزه تهیه دی وی دی های اکران گرفته تا فراهم کردن وسائل و تجهیزات لازم از مساجد و هیات ها برای نمایش فیلم ها بود. حتی در مقطعی کابل VGA که برای نمایش فیلم استفاده می‌شد آسیب دید و ما با هزینه شخصی آن را خریداری کردیم.

کدام فیلم را بیشتر اکران کردید؟ آثار

خودتان را معرفی کنید: رضا سرایلو، فعال فرهنگی و اکران کننده عمار در گنبد کاووس **چگونه و چه زمان با جشنواره عمار آشنا شدید؟** پس از فتنه ۸۸ متوجه شدم چند فیلم در مورد این موضوع ساخته شده اما اجازه اکران پیدا نکرده اند و من به دنبال اکران آنها بودم و این گونه شد که از سومین دوره برگزاری جشنواره عمار تا امروز با این رویداد فرهنگی همکاری داشتیم.

چرا تصمیم به اکران فیلم های عمار گرفتید؟ موضوع و محتوای فیلم های جشنواره عمار در دیگر فیلم ها مشاهده نمی‌شد و عمار فرصتی بود تا در قالب نمایش فیلم های مختلف و تاثیرگذار روح جدیدی در کالبد سازمان ها و نهادهای فرهنگی مذهبی دمیده شود، همچنین این جشنواره می‌تواند نسل جدید جامعه را با انقلاب و انقلابی گری آشنا کند.

فیلم ها را از کجا و چه کسی می‌گرفتید؟ فیلم های دوره نخست جشنواره را به صورت مستقیم از دبیرخانه دریافت می‌کردیم و در دوره های فیلم ها را توسط رابطین دریافت می‌کردیم.

اولین اکرانتان کدام فیلم بود و در کجا انجام شد؟ نخستین اکران با فیلم «من مدیر جلسه هستم» در یکی از مساجد شهرستان گنبد کاووس انجام شد.

به لحاظ کمی در کجا بیشتر اکران کردید؟ مساجد و هیئت های مذهبی **نظرسنجی در مورد فیلم ها هم انجام می‌شد؟** از طریق سامانه ای که دبیرخانه اعلام کرده بود.

اتفاقات و خاطراتی که در حاشیه اکران و مقدمات انجام اکران رخ داده چه بود؟ در حاشیه اکران فیلم ها و برنامه های جانبی از قبیل رونمایی از کتاب، حضور کارگردان های

مسجد جامع ایوانکی
سمنان، گرمسار

۳ دیماه ۹۵



موقع پخش فیلم که شد امام جماعت مسجد در کنار بقیه مردم نشست و مستند «نبرد پنهان» را دید. این بهترین تبلیغ برای اکران عمار بود.

فیلم های اکران شده : نبرد پنهان

دبستان دخترانه قیام
خوزستان، بندر امام خمینی

۷ دیماه ۹۵



دانش آموزان با دیدن فیلم پستوی خالی و آن تراکت بسیار تحت تاثیر قرار گرفته بودند و حتی بعضی از آن‌ها بخاطر مظلومیت کودکان سوریه و عراقی گریه کردند و مدام می‌پرسیدند چرا این کارها رو با بچه ها می‌کنند؟ چرا در تلوزیون این‌ها را نشان ندادند؟

فیلم های اکران شده : آن تراکت ارمون ، ملازمان حرم (۱۳) ، پستوی خالی ، مرگ بر آمریکا

کانون فرهنگی ولایت خوسف
خراسان جنوبی، خوسف

۳ دیماه ۹۵



اکران ویژه خانجها بود. فیلم کوتاه قابلمه که پخش شد مهمانان در میان جمعیت اتفاق افتاد چرا که ایرانی کردن تجهیزات آشپزخانه به عهده زنان است.

فیلم های اکران شده : ما ایستادیم ۴، مزاحمه قابلمه، جیب کت

دبستان پسرانه شهید مسعود بیات
استان البرز، کرج

۷ دی ماه ۹۵



فیلم های اکران شده : یوجانمایی نبرد خلیج فارس

مدرسه ابتدایی دخترانه حمیده
استان فارس، شهرستان فسا

۷ دی ماه ۹۵



فیلم های اکران شده : تولد، روی گل‌ها ، بختک

مدرسه عشایری
خوزستان، خزوق

۵ دی ماه ۹۵



فیلم های اکران شده : فیلم های بسته عمار مدرسه

موسسه دفاع مقدس
استان فارس، شهرستان فسا

۶ دی ماه ۹۵



اکران در جمع همسران شاهد و ایثارگر شهرستان فسا

فیلم های اکران شده : مستند «صیت» و نماهنگ «سوره کوثر»

کمیته خادم الشهداء
استان فارس، شهرستان فسا

۶ دی ماه ۹۵



جلسه هفتگی خواهران خادم الشهداء با اکران فیلم «دایو» مرتین به نام شهدای عملیات کربلای ۴ شد.

فیلم های اکران شده : دایو

ایرانیان مقیم آمریکا، جمع مهمانی خانوادگی
آمریکا، کالیفرنیا

۲۶ تیرماه ۹۵



مخاطبین معادل ۲۰۰ هزار تومان به این فیلم کمک کردند.

فیلم های اکران شده : هنگامه و علمک



خمینی

بعد از خمینی

روایتی از ناکفته‌های تاریخ انقلاب اسلامی

AfterKhomeini.Afsaran.ir @AfterKhomeini



انقلاب ساخته شود و دلیل این مسئله که دوران کارگزاران را انتخاب کردیم، شباهت‌های بسیاری بود که در اتفاقات روی داده و تصمیم دولتمردان آن دوران با برهه کنونی وجود داشت و به نوعی می‌توان گفت مسیری که کشور امروز رفته را یک مرتبه در آن دوران نیز طی کرده است.

این مسئله را هم بگوییم که مجموعه مستند های «بعد از خمینی» تصاویری از رادیکال‌ها و جناح چپ در مذاکرات ایران پس از پذیرش قطعنامه را ارائه می‌دهد که بسیاری از افراد راجع به آن اطلاعی نداشتند؛ این مسئله را مخاطبان پس از تماشای مستند ها می‌گفتند، اطلاعات مخفی نبود بلکه ساز و کار اجازه نمیداد که این اطلاعات درز کند و به دست بچه‌های حزب الهی برسد.

در مستند های تاریخی معمولاً پروسه پژوهش زمان زیادی از کار را به خود اختصاص می‌دهد، در اثر شما این روند به چه شکل صورت گرفت؟

در مستند «بعد از خمینی» ما به دنبال تحلیلی از یک دوره تاریخی ۱۰ ساله بودیم و این حجم بالا از لحاظ پرداخت زمانی به طور حتم نیاز به صرف زمان زیاد در مرحله پژوهش دارد، به گونه‌ای که گروه ما حدود یک سال درگیر انجام تحقیقات و پژوهش‌های مربوط در زمینه‌های مختلف از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاست داخلی و خارجی آن دوران بود.

پس از انجام این پژوهش‌ها شروع به تحلیل

مجموعه مستند های «بعد از خمینی» تصاویری از رادیکال‌ها و جناح چپ در مذاکرات ایران پس از پذیرش قطعنامه را ارائه می‌دهد که بسیاری از افراد راجع به آن اطلاعی نداشتند؛ این مسئله را مخاطبان پس از تماشای مستند ها می‌گفتند، اطلاعات مخفی نبود بلکه ساز و کار اجازه نمی‌داد که این اطلاعات درز کند و به دست بچه‌های حزب الهی برسد

اتفاقات کردیم و رابطه حوزه‌های مختلف با یکدیگر را استخراج کردیم و سپس به فرا تحلیل پرداختیم و انگیزه‌های اصلی مسئولان اثر گذار در آن حوزه‌ها را بررسی و به مدلی تحلیلی رسیدیم.

این مستند به نوعی مخاطب را به آن سال‌ها می‌برد و تحلیل کلان به مخاطب خود ارائه می‌دهد و به نوعی می‌توان گفت مخاطب اصلی این مستند جوان‌های کشور به خصوص جوان‌های انقلابی هستند تا از طریق تماشای این مستند به تحلیلی کلان و جامع دست یابند و آگاه شوند که گرفتن تصمیماتی از جنس تصمیماتی که امروز گرفته می‌شود چه اثرات و تبعاتی دارد.

کارهای جدی در حوزه مستند از اتفاقات کشور در سال‌های ۶۷ تا ۷۷ صورت نگرفته است، البته جسسته و گریخته‌کارهایی در رابطه با حزب جمهوری، انفجار دفتر نخست‌وزیری

حجت‌الله نیکی ملکی:

«تولد دوباره یک رویا»؛ افول یک آرمان

را پشت سر می‌گذارد، ورود خود به عرصه هنر را از فعالیت‌های ژورنالیستی آغاز کرده و پس از آن وارد فضای مستند سازی شده و کار خود را در این حوزه با پرداختن به ژانر سیاسی و تاریخی آغاز کرده است.

این کارگردان با قسمت هشتم مستند خود با عنوان «تولد دوباره یک رویا» به جشنواره مردمی عمار آمده است، قسمتی که در آن حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور ایران به دنبال توسعه روابط با اروپاست و دولت جدید ایران هم نگاه متفاوتی به آمریکا دارد.

چرا سوزده‌ای با تم سیاسی و چرا بازخوانی دوران سازندگی؟

ساخت مستند های سیاسی و تاریخی از نقطه ضعف‌های مستند سازان جبهه انقلاب است و این حوزه ضرورتی بود که ما در این زمینه احساس تکلیف کردیم، تا مستندی پیرامون بازخوانی وقایع روی داده در روزهای پس از

مستند «بعد از خمینی» عنوان مستندی سریالی است که هشتمین قسمت آن با نام «تولد دوباره یک رویا» به تازگی منتشر شده و می‌توان آن را نگاهی صریح و بی‌پرده به دوران ریاست جمهوری حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی دانست، نگاهی که به اذعان کارگردان، شباهت‌های بسیاری به اتفاقات و وقایع این روزهای ایران دارد.

باور سازندگان این مستند بر این است، دانستن این‌که ایران در سال‌های «بعد از خمینی» چه وقایعی را چگونه پشت سر گذاشته است، می‌تواند عبرت بی‌بدیلی برای ترسیم آینده‌ای شفاف‌تر و بالنده‌تر ارائه دهد. تلاش مستند بر این بوده که در عین انصاف، صریح و شفاف باشد و حقایق را فدای مصلحت‌سازی‌ها نکند.

حجت‌الله نیکی ملکی، کارگردان این مجموعه که این روزها دوره دکتری خود در رشته مدیریت رسانه در دانشگاه تهران

صورت گرفته، اما این ها کافی و روشن گر نبود.

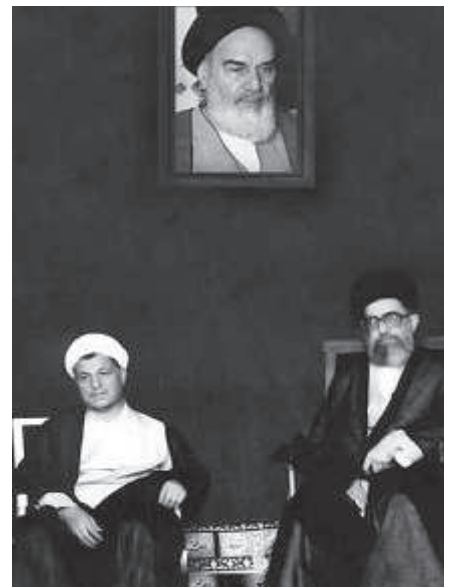
با توجه به سوژه مهم و حساسی که انتخاب کردید از بازخوردهای مستند، پس از اکران عمومی و پخش آن بگوئید؟ خوشبختانه طبق بررسی ها متوجه شدیم که این مستند به دست چهره های سرشناس بسیاری رسیده و متوسط بازدید هر قسمت چیزی حدود ۲۰۰ تا ۷۰۰ هزار مخاطب است و این آمار در شرایط امروز وضعیت مستند آمار خوبی است و این آمار به خاطر ساز و کار توزیعی که ایجاد کردیم و همچنین حمایت اکران های مردمی جشنواره عمار صورت گرفت. مسئله ای که این میان وجود دارد، این است که مسائل مطرح شده در این مستند از خط قرمز صدا و سیما خارج است و متأسفانه به جز یک قسمت از این مستند که مربوط به انتخاب حضرت آقا به عنوان رهبری است هیچ کدام از قسمت ها پخش نشد.

مسیری را که جشنواره عمار ۷ سال است در سینمای ایران بنیان نهاده را چگونه ارزیابی می کنید؟

یکی از مهمترین ویژگی های جشنواره عمار این است که بستری برای دیده شدن آثار بچه های جبهه انقلاب فراهم کرده و این بستری به نوعی بذر امید را در دل این بچه ها کاشته و انگیزه آنان برای ادامه کار و تولید بیشتر و بهتر را بالا برده، به همین دلیل می توان گفت که جشنواره عمار هم بر تولید اثر گذاشته و با خط مشی گذاری های خود نیز بر کیفیت آثار نیز اثر گذار بوده است. اکران های مردمی عمار هم یکی دیگر از ویژگی های برجسته و مثبت این جشنواره مردمی است؛ چرا که هم باعث دیده شدن کارهای می شود و هم افرادی که به دلایلی دیگر به سینما نمی روند و عمدتاً از فعالان اصلی جبهه انقلاب اسلامی اند را به پای فیلم ها کشانده است.

به نظر تان چه موضوعاتی در حوزه تاریخ و سیاست از طرف بچه های انقلابی نادیده گرفته شده است و جا دارد روی آن کار شود؟

به نظر من دهه اول و دوم پس از پیروزی انقلاب موضوعات زمین مانده ی بسیار دارد، به ویژه دهه دوم پس از انقلاب، چرا که اتفاقات مشابهی در آن دوران افتاد که بسیار نزدیک با اتفاقات دنیای امروز ماست.



روایت «آن مرد زنده است» از زبان کارگردان

تنها جشنواره ای که مرا جذب می کند

خانواده شهید ندارم و این افسوس امروز بیشتر می شود چرا که آن ها دیگر در این دنیا نیستند.

چگونه به فرم فیلم رسیدید؟

از روز نخست که این صدا به دستم رسید، آرام و قرار از من گرفته شد و به نوعی مرا وادار می کرد که بروم و این کار را بسازم و من روی ۳ طرح برای ساخت فکر کردم و در نهایت پس از دیدن مادر شهید عبدالمجید دستان به این فرم رسیدم که فضا را به گونه ای طراحی کنم که یک مادر در حال گوش دادن به صدای فرزند شهیدش است.

البته پیش از آن به دنبال تست فرمی بودم که بازخورد پخش صدای وصیت شهدا بر چهره اشخاص مختلف در مکان های مختلف از جمله استادیوم ورزشی، کافه ها و نقاط عمومی شهر امتحان کنم که این امر میسر نشد.

مسئله دیگر که در این میان وجود داشت، این بود که فرزندان این مادر شهید پس از گذشت حدود ۳۰ سال از شهادت شهید دستان وسایل این شهید را از چشم مادرش به دور نگاه داشتند و ما می خواستیم برای این کار از همان وسایل استفاده کنیم و زمانی که مادر شهید چشمش به وسایل پسرش افتاد متوجه موضوع شد و گویی که دیروز خبر شهادت فرزندش را به او داده اند و این به نوعی به فضا سازی کار کمک کرد.

جشنواره مردمی فیلم عمار تا چه میزان توانسته روند فعلی سینمای ایران را حالت خنثی خود خارج کند؟

بنده در سال ۶۰ در کانون فرهنگی مسجد الزهرا(س) فسا با پرژکتور ۱۶ میلیمتری یا ۸ میلیمتری فیلم هایی با مضامین دفاع مقدس و فیلم های طنز را برای مردم پخش می کردم و فعالان فرهنگی مساجد دیگر به این امر راغب شدند و پس از آن نیز به اجرای تئاتر های مناسبی در مسجد پرداختم و خاطرات خوبی از فعالیت های فرهنگی در مسجد و جمع های این چنینی داشتم.

لفظ مردمی که از ابتدا با این جشنواره پیوند خورد برای خود بنده بار مثبت و انرژی بخشی به همراه داشت و هیچ جشنواره ای به میزان عمار من را ترغیب به ارسال اثر نمی کند و این اکران های مردمی و در میانه ی مردم بودن بسیار برایم مهم است و این اهمیت بازخوردهای مردم

علی نیکومنش، دانش آموخته رشته ادبیات نمایشی از دانشکده سینما تئاتر تهران است که فعالیت خود را از سال ۷۴ به عنوان نویسنده در گروه حماسه و دفاع شبکه اول سیما آغاز و پس از آن به صورت جدی در کنار نویسندگی به کارگردانی در گونه های مستند و داستانی پرداخت.

کارگردانی مجموعه تله تئاتر «بهشت در سپیده در دم»، کارگردانی سریال «دفترچه خاطرات»، کارگردانی تله تئاتر «شب پریشانی»، ساخت مستندی با محوریت اتفاقات مسجد حبیب شیراز در سال ۵۶ و کارگردانی مجموعه مستند هایی با محوریت انقلاب اسلامی در استان فارس که به بررسی اتفاقات و رویدادهای انقلاب اسلامی در این استان می پردازد از آثار شاخص این فیلمساز شیرازی است. نیکومنش که با اثر «آن مرد زنده است» به هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار آمده است، این روزها پروسه تحقیق مستندی با موضوع مادران شهید را پشت سر می گذارد.

چه شد که به سراغ این سوژه رفتید؟

فیلم کوتاه «آن مرد زنده است» با محوریت وصیت نامه صوتی شهید عبدالمجید دستان که از ۳۰ سال پیش به یادگار مانده ساخته شد و به نظر بنده ماجرای دفاع مقدس و هشت سال جنگ تحمیلی به عنوان گنجینه ای ارزشمند به حساب می آید و هنرمندان و فیلمسازان در این سال ها نسبت به حجم گسترده و غنی این گنجینه و داشته ها کمتر به سراغ ساخت چنین موضوعاتی رفته اند و دلیل اصلی که من به سراغ چنین سوژه ای رفتم، علاقه شخصی ام به مقوله شهادت و دفاع مقدس است.

پس از ساخت این اثر چندین نفر از خانواده های شهدا نوارهایی از وصیت فرزندشان را برای ما آوردند و گفتند چنین نوارهایی نیز موجود است و من افسوس خوردم که چرا این قدر دیر به سراغ چنین سوژه هایی رفته ام، اما هنوز دیر نشده و بخشی از این گنجینه ارزشمند در سینه خانواده های شهدا نهفته شده که کمتر به سراغ آن ها می رویم و این افسوس را من زمانی خوردم که من یک صحبت دو دقیقه ای از پدر و مادرم به عنوان

میرزا باقری:

«سید احمد»؛ قهرمان زندگی خودش

میلااد میرزا باقری کارگردان ۲۱ ساله مستند «سید احمد» در رابطه با ورود خود به عرصه هنری گفت: شروع کار بنده در عرصه هنری در سن ۱۰ سالگی اتفاق افتاد که تئاتر کار می‌کردم و بعد از آن هم به سمت ساخت مستند و فیلم داستانی گرایش پیدا کردم؛ ۴ سال است که به این حرفه مشغول هستم و تا الان ۷ مستند را کارگردانی کرده‌ام.

موضوع مستند «سید احمد»

داستان این مستند درباره پیرمردی در گرگان به اسم «سید احمد مفیدی» است که در سن ۳۳ سالگی بر اثر سانحه تصادف قطع نخاع و خانه نشین می‌شود.

سید احمد بعد از تصادف به مدت دو سال ناامید می‌شود ولی بعد از آن تصمیم می‌گیرد یأس را کنار بگذارد و به زندگی امیدوار باشد که همین بخش مستند برای من خیلی جالب بود.

نحوه آشنایی با ایده مستند

یکی از دوستان به من پیشنهاد دادند که یک همچین موضوعی هست و من هم به محض اینکه شنیدم رفتم از نزدیک دیدم که اتاق را جوری مجهز کرده است که در خانه را خودش باز و بسته می‌کند، خودش چایی و غذا می‌گذارد حتی نان هم در اتاق می‌پزد. هدف از ساخت این اثر این فرد با این همه محدودیتی که دارد توانسته است یک فرصت شغلی بوجود بیاورد و در آمدی برای خود ایجاد کند در حالی که نمی‌تواند از روی تخت بلند شود کار کرده و درآمدش را صرف امور خیریه می‌کند.

دشواری‌های تولید

اولین مشکل ما این بود که حامی مالی نداشتیم و مشکل دیگر این بود که در شهرستان بودیم و امکانات کم بود و در ساخت این مستند با محدودیت روبرو بودیم. الان مستند دیگری در دست تولید ندارم ولی

ایده ساخت یک مستند در مورد یک روحانی داریم که با اینکه ملبس است و مشغله‌های طلبگی دارد ولی به عنوان راننده تاکسی مسافر کشی هم می‌کند.

سال گذشته برای اولین بار با مستند «در یک حوالی» و «گنبد منهای فقر» در جشنواره عمار و مدرسه عشق شرکت کردم و کارم در استان اول شد ولی در عمار به مرحله بعد راه پیدا نکرد.

کار دیگری با عنوان «به رنگ خدا» داشتم که در جشنواره طنین مسجد به بخش ویژه هیئت داوران راه پیدا کرد.

سال ۹۳ با دوستانی که در خود جشنواره عمار مشغول به کار بودند آشنا شدیم و بعد از جذب در آنجا یکی از دوستان ما کار اکران عمومی را بر عهده گرفت که ما هم آرام آرام وارد این جشنواره شدیم.

به نظر من جشنواره شرایطی را ایجاد کرده است که افراد شهرستانی هم هرچند که با کمبود امکانات کار کرده‌اند دیده شوند؛ به نظر من این کار بسیار ارزشمند است.

فیلم‌هایی که در این جشنواره عرضه می‌شود در مقایسه با جشنواره‌های شبه روشنفکری بسیار بهتر است؛ همانطور که از اسم این جشنواره پیدا است فیلم‌های این جشنواره را مردم بیشتر می‌پسندند.

من آینده خوبی برای این جشنواره می‌بینم تا جایی که فکر می‌کنم می‌تواند جای جشنواره فجر را بگیرد البته تا الان هم برای خودش بخش مهمی شده است.

در بسیاری جشنواره‌ها فیلم‌هایی می‌توانند





جشنواره عمار و مسئله اقدام

حجت الاسلام مجتبی نامخواه

یکی از مهم ترین مسئله‌ها و بلکه مشکلات اجتماعی ما عبارت است از «فقدان اقدام». در طول تاریخی چند صد ساله همواره ذیل سیطره قدرت‌های قاهره‌ای بوده‌ایم که دایره‌ی کنش اجتماعی‌مان را محدود می‌کرده‌اند. وقتی دو در دو سده اخیر، هژمونی غرب به این وضع اضافه شد، در تعامل شوم استبداد و استعمار، ما با استکباری مضاعف به استضعاف کشیده شدیم. انقلاب اسلامی طلیعه‌کنشگری ما بود. تا قبل از آن ما این امکان را داشتیم که «واکنش»هایی به وضعیت‌های موجود داشته باشیم. چهار دهه پیش، کنش متمایز جامعه ایرانی را کسی نمی‌توانست محاسبه کند و تغییرگرایی مستتر در ذات انقلاب اسلامی، نظم مستقر در «جزیره ثبات» را فروریخت. اما آیا این تغییر نظم به معنای تغییر کلی وضع و رفع مشکله‌ی ناقص‌گرایایی ما هم بود؟

امروز همچنان یکی از مسئله‌های اصلی ما، «اقدام و عمل» است. اگر چه در نام‌واره و مسئله اصلی سال جاری، «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»، این اقتصاد است که پررنگ است و اگر چه سویه‌های مطالبه‌گرایی‌های این راهبرد متوجه مسئولان حکومتی است؛ اما نمی‌توان انکار کرد که «اقدام و عمل» فراتر از اقتصاد، مسئله «مقاومت» است: در تمام عرصه‌های نظام اجتماعی، آن‌جا که کنش و ساختاری متناسب با عمل انقلابی (مقاومت) مطرح است، اقدام و عمل مسئله است. همچنان که به غیر از مسئولان حکومتی، جامعه‌ای که از آن برخاسته‌اند هم، نیازمند «اقدام و عمل» است و دچار بی‌عملی، گمان می‌کنم در یک تحلیل اجتماعی، «جشنواره عمار» می‌تواند با پرداختن به تجربه جمعی ما، به حل این مسئله کمک کند. کافی است مقایسه‌ای داشته باشیم میان آثار «عماری» و آثار راه یافته به جشنواره‌های معمول و رسمی کشور، حتی در جشنواره‌های مستند، سینمای رسمی نفتی موجود، بیشتر راوی تجربه‌زیسته‌های شخصی و خانوادگی دایره محدودی از جامعه است. روایت مداوم و پرتکرار مسئله‌هایی شخصی و بدون زمان و مکان است که به عشق، خیانت، طلاق و مانند این‌ها می‌پردازد. تم اصلی داستان‌ها و روایت‌های سینمای رسمی، همواره و همچنان، بر اساس یک عادت تاریخی، به «واکنش»ها می‌پردازد نه به کنش‌ها. جشنواره عمار اما بنای این دارد که به بازنمایی تجربه‌ی کنش‌های ما بپردازد. انباشت این تجربه‌ها و روایت‌هایش، ظرفیت‌های عقل عملی ما را در ساحت اجتماع بالفعل می‌کند و این روح، معنای فرهنگ و راز فرهنگ‌سازی است.

این احتمال هست که این ویژگی در عمار کم‌رنگ شود؛ بنابراین باید نسبت به آن حساس بود، ارزیابی داشت و به «مراقبه جمعی» پرداخت. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که این مؤلفه، یعنی «روایت و انباشت تجربه‌ی کنش‌های اجتماعی» در دیگر فعالیت‌ها بازتولید شود. در این صورت آن فعالیت‌ها به معنای واقعی فرهنگ‌ساز بوده و یک «کنش عماری» به حساب خواهد آمد.

شرکت کنند که روشن فکرانه و مورد قبول مخاطب خاص خودشان باشد که در این مکان‌ها بچه‌های مذهبی جایگاهی نداشتند ولی عمار با مردمی بودنش توانست علاوه بر این که مخاطب خاص داشته باشد مخاطب عام را هم جذب کند.

ضعف سوژه‌ها

اکثر فیلم‌های ساخته شده قهرمان ندارد و این یک ضعف است؛ به نظر من یک شخص می‌تواند قهرمان زندگی خودش باشد و ما هم باید در انتخاب موضوع به قهرمانانی بپردازیم که الگو باشند.

عقیده من این است که هنر باید برای مردم باشد و هنر را خداوند آفریده است تا ما بتوانیم با استفاده از سلیقه خودمان اثری تولید کنیم که به درد مردم بخورد و از آن درس بگیرند.

پیشنهاد

اگر جشنواره عمار بخشی را به فیلم اولی‌ها اختصاص دهد خیلی خوب است به طور مثال در جشنواره‌های دیگر بخشی را به این دست کارگردانان اختصاص داده‌اند که باعث رشد این گروه شده است.

کسانی که در شهرستان کار می‌کنند سختی‌های خودشان را دارند و بیشتر با کمبود عوامل و بودجه مواجه هستند که به نظرم اگر عمار سطح فیلم‌ها را از نظر ارزیابی لول‌بندی کند خیلی بهتر می‌شود.





«فرمانده»

شاعرانگی یک چریک

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، جوانی افغانستانی به نام علیرضا توسلی جذب اندیشه‌های امام خمینی (ره) شده و برای تحصیل در حوزه علمیه به قم می‌آید. با شروع جنگ افروزی طالبان، درس را رها کرده و راهی میدان نبرد می‌شود.

بعد از مدتی دوباره به ایران بازمی‌گردد؛ اما با شروع جنگ سوریه برای مبارزه با دشمنان اسلام، دوباره لباس رزم به تن می‌کند. به همراه ۲۰ نفر از دوستان قدیمی خود که در نبرد مردم افغانستان با شوروی و طالبان شرکت داشتند، برای مبارزه با گروهک‌های تکفیری به سوریه می‌روند. این ۲۱ نفر هسته اولیه لشکر فاطمیون را شکل می‌دهند.

مستند «فرمانده» روایتی از زندگانی شهید «علیرضا توسلی» معروف به ابوحامد؛ فرمانده لشکر فاطمیون است.

هادی نعمت‌اللهی کارگردان «فرمانده» می‌گوید: «در این فیلم، لشکر فاطمیون را فرزند حضرت امام (ره) خطاب کردیم و به واسطه ابوحامد یک بار دیگر مسیر شکل‌گیری انقلاب را مرور کردیم. ابوحامد در کنار تمام مشخصه‌ها و ویژگی‌های یک چریک در حال جنگ، به شدت روحیه لطیف و شاعرانه‌ای دارد.»

«عکسی برای ماندن»

حکایت عهدی عاشقانه

«عکسی برای ماندن» درباره سه جوان لبنانی است که عهد می‌بندند با هم شهید شوند؛ عکسی می‌گیرند و هر کدام به طرز عجیبی به شهادت می‌رسند.

محسن اردستانی کارگردان این مستند گفت: «سال ۹۰ برای ساخت مستند شهیدای مدافع حرم به لبنان رفتیم. در آن سفر مجبور شدیم در منزل یکی از بچه‌های حزب الله اسکان پیدا کنیم. پسر جوان لبنانی به نام «فؤاد» آن جا بود. با او آشنا شدیم و عکسی گرفتیم. چند ماه بعد وی در لبنان شهید شد. زمینه‌ای شد که درباره زندگی او تحقیق کنیم. آن زمان در بعلبک بودیم، متوجه شدیم که شهید فؤاد با دو تن از دوستانش قراری برای شهادت گذاشته و عکسی هم برای این قرار گرفته.»

یکی از این سه نفر، در بمباران جنگ ۳۳ روزه و دیگری هم در شهر دیگری شهید می‌شود. فؤاد با این شهید درد دل‌ها داشته و بعد از شهادت دوستانش می‌گفته که چرا از این عکس جا مانده است اما بعد از مدتی خودش نیز به شهادت می‌رسد.



«فردا دیر است»

روایتی از مشکلات صنعت خودروسازی در ایران

ایران می‌توانست پیشگام صنعت خودروسازی در جهان باشد اما به علل مختلف در این صنعت، چندان موفق نبوده ایم. مستند «فردا دیر است» به بررسی مشکلات و ضعف‌های صنعت خودرو از یک سو و آلودگی هوای کلان‌شهرها از سوی دیگر؛ می‌پردازد. تهدیدهای بزرگی که در نگاه این مستند، فرصت‌های عظیمی هستند.

«فردا دیر است» نهمین قسمت از سری مستندهای اقتصادی ثریا، با عنوان عبور از بن‌بست می‌باشد.



ایلام - ایوان - معدن ساهکل

«سیاه خفته»

روایتی از خام‌فروشی نفت خشک

بیتومین، گیسولونایت یا همان نفت خشک ماده‌ای معدنی است که حدوداً صد و شصت ماده صنعتی از جمله بنزین و آسفالت و... از آن به دست می‌آید. سهم آسیا از این ماده مهم صنعتی پانزده درصد کل جهان است که آن هم در ایلام و کرمانشاه وجود دارد. متأسفانه به دلایل مختلف روند فرآوری آن در ایران انجام نمی‌گیرد.

این ماده با ارزش به قیمت خیلی پایینی به خارجی‌ها فروخته می‌شود و پس از فرآوری، مشتقات آن را به قیمت خیلی بالا از خارجی‌ها خریداری می‌گردد. در صورت فرآوری نفت خشک در ایران، زمینه خودکفایی در بسیاری از صنایع فراهم می‌شود.

«سیاه خفته» عنوان مستندی ۱۸ دقیقه‌ای درباره ظرفیت‌های صنعتی ایلام، جلوگیری از خام‌فروشی و استفاده بهینه از نفت خشک است که می‌تواند زمینه اشتغال‌زایی و کسب و کار مفید در این استان را فراهم نماید.

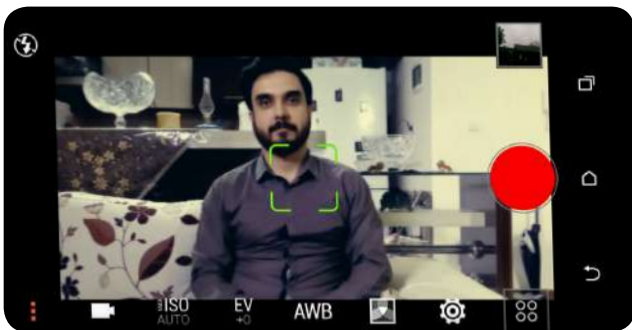
این مستند به کارگردانی و نویسندگی روح‌الله اکبری و در صدا و سیمای ایلام تهیه شده است.

«مریم»

یک خداحافظی عاشقانه

«مریم» داستان عاشقانه ایست که نیم ساعت پایانی قبل از جدایی یکی از مدافعین حرم از همسرش را روایت می‌کند. این فیلم بیشتر بر نقش مهم همسران شهید می‌پردازد. همسرانی که با دست خود، شوهرانشان را راهی جبهه نبرد حق علیه باطل می‌کنند و مانند حضرت زینب (س) جز «ما رایست الا جمیلا» چیزی نمی‌بینند.

در ابتدای فیلم، مریم نمی‌تواند رضایت دهد که همسرش مرتضی از او جدا شود و به سوریه برود. جدال عقل و عشق در سرتاسر فیلم نمایان است. عقلی که پای رفتن را سست می‌کند ولی عشق بی‌ال و پرت می‌دهد. سرانجام با صحبت‌های مرتضی، مریم موافقتش را با رفتن همسرش به سوریه اعلام می‌کند. مرتضی با همسر و کودک خردسالش خداحافظی می‌کند. رفتنی که بازگشتی ندارد، خداحافظی عاشقانه‌ای را نیز می‌طلبد. در سرتاسر فیلم، نقش عاطفه و احساس کاملاً مشهود است. این فیلم به کارگردانی مشترک مرتضی عزیزاده و هاشم مسعودی و در قالب داستانی تهیه شده است.



«۲۵ سال آینده را نخواهید دید»

شمارش معکوس برای نابودی رژیم جعلی

بعد از مذاکرات هسته‌ای، سران رژیم صهیونیستی گفتند تا ۲۵ سال از دغدغه ایران آسوده‌ایم اما رهبر معظم انقلاب در کلامی قاطعانه فرمودند: «شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید و ان‌شاءالله تا ۲۵ سال آینده چیزی به نام رژیم صهیونیستی وجود نخواهد داشت.»

«۲۵ سال آینده را نخواهید دید» ماهنگ یک دقیقه‌ای به کارگردانی حجت الاسلام ساسان فلاح فر و با استناد به صحبت‌های رهبر انقلاب، ساخته شده است.

عنوان این ماهنگ از سخنان رهبر انقلاب درباره نابودی اسرائیل تا ۲۵ سال آینده گرفته شده و به صورت یک مجموعه دو قسمتی تهیه شده است.



«زمستان»

مبارزه ادامه دارد

بسیاری از خانواده‌های فلسطینی به سوریه پناهنده شده‌اند ولی با شروع درگیری‌ها و حضور تروریست‌های تکفیری؛ این کشور هم برای آن‌ها ناامن شد.

«زمستان» روایت دو خانواده فلسطینی است که نه تنها در جریان جنگ سوریه به نیروهای معارض نیبوستند بلکه رؤیایشان آزادسازی سوریه و قدس است.

در قسمتی از مستند، یکی از این فلسطینیان که جزو نیروهای مقاومت است، می‌گوید: «با این‌که پناهنده سوریه هستیم ولی این‌جا را خانه خودم می‌دانم. سرزمینی که بر گردن ما حق دارد. ما چه در فلسطین و چه در سوریه مقاومت می‌کنیم برای شهدا.» مبارزه از نسل فلسطینی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ مردان با اسلحه و کودکان با شعر از آزادی قدس و بازگشت به سرزمین مادری می‌گویند.

این مستند به کارگردانی مشترک مصطفی آقا احمدلو، محمد مهدی بهرامی نژاد و در ۳۷ دقیقه تولید شده است.

«مامان بازی»

مادر، دختر، جامعه

روان‌شناسان معتقدند که بیش از ۷۰ درصد شخصیت انسان در ۷ سال اولیه زندگی او شکل می‌گیرد و در این ۷ سال بیشترین ارتباط کودک، با خانواده است. والدین مهمترین الگوی کودکان هستند، کودکانی که اگر خوب تربیت نشوند؛ جامعه دچار مشکل خواهد شد. فیلم داستانی «مامان بازی» به تاثیر رفتار مادر بر فرزند اشاره دارد. اگر چه مدت زمان این فیلم بسیار کوتاه است اما با زبانی کودکانه مفهوم تاثیر پذیری کودکان از والدین را به خوبی به تصویر می‌کشد.

دو دختر بچه، کاراکترهای فیلم هستند. دختر بچه‌هایی که برای عروسک‌هایشان نقش مادر را بازی می‌کنند. هر کدام از این دو دختر، تحت تاثیر تربیت خاص مادر خود، با عروسک‌هایشان رفتار متفاوتی دارند.

«مامان بازی» به کارگردانی محمد فرج صالحی ساخته شده است.





سینما نقیضه

افشار جابری

«مدعی خواست که آید به تماشگاه راز»
بی‌بلیط آمده بود از در پشتی در رفت

«به تماشای درخت چمنش حاجت نیست»
هر که در خانه چهل اینچی HD دارد

«هرکس دو سه دی‌وی‌دی در خانه کپی دارد»
«ما را که تو منظوری» هی رنج سفر آید

قسمت دوم

چگونه گیشه را قورت دهیم؟!

ناصر جوادی

در ادامه بررسی الگوهای جواب پس داده ساخت فیلم پر فروش و در شماره دو می رسیم به...

۲- تغییر جنسیت با موزر و روسری!

درست است که در مملکت ما هرکس با پدرش بحثش می شود بازیگر می شود (آنهايي که با مادرشان قهر می کنند خواننده می شوند) و در این زمینه سالهاست که به خود کفایی رسیده ایم اما با این وجود در مقاطعی کارگردان ها و تهیه کنندگان سینما با قحط الرجال و گاهی نیز قحط النساء رو برو می شدند و هرچه می گشتند زنی که بتواند نقش مورد نظر را ایفا کند پیدا نمی کردند و به ناچار با اکبر عبدی تماس می گرفتند و می گفتند: سیبیل هات رو بزنی سر راهتم یه روسری بخر بیا برو جلو دوربین!

وقتی هم که در سینما مرد پیدا نمی شد! یک عدد ژیلارا با مدد گرفتن از موزر آلمانی و تراشیدن سرش با نمره ۴ به غلام تبدیل می کردند، که البته مخاطب فیلم هم مثل دکتر و فیلم بردار و طلا فروش خودی و محرم بود و مشکل شرعی هم پیش نمی آمد!

و اینگونه بود که تهدید کمبود بازیگر را تبدیل به فرصت پرفروشی فیلم می کردند.

اما با فراگیری اینستاگرام و نخ نما شدن این حربه توسط هموطن های همیشه در صحنه و تولید روزانه n ترابایت دابشمس، سینما گران یکی از الگوهای موفق قورت دادن گیشه را از دست دادند!

ادامه دارد...

شیوه مدرن سیاه نمایی کردن فیلمنامه

سید ابوالفضل طاهری

بدون شک یکی از بزرگترین آرزوهای هر فیلم سازی (در بعضی مواقع تنها آرزوی هر فیلمساز!)، ساختن فیلم های جشنواره پسند و جایزه بیار است؛ به طوری که فیلم مورد نظر مانند یک تراکتور همه جشنواره های خارجی را شخم بزند و جایزه هایشان را درو کند. اما چطور میشود که فیلمی جایزه می گیرد و فیلمی دیگر، اصطلاحاً دیده نمی شود؟ اگر دنبال جواب این سوال هستید، همینجا پیدایش می کنید:

فیلم باید همه نفهم باشد: تجربه ثابت کرده فیلم های همه فهم از اقبال کمتری برای حضور در جشنواره های جهانی برخوردارند. در عوض فیلم هایی که فقط بعضی ها می فهمند یا حداقل ادای فهمیدنش را در می آورند، به خاطر خاص بودن و تک بودنشان، همیشه در جشنواره های بین المللی درخشیده اند. مثل فیلم هایی که اول و آخرشان باز است و داستان واضح و مشخص ندارند. اصلاً هم نگران فروش فیلم نباشید. همچنین که جایزه را بگیرد، بفروش هم می شود.

رابطه های جدید تعریف کنید: سالهاست که روابط در سینما بر مبنای روابط بنیان گذاری شده توسط مرحوم فیثاغورث، یا همان مثلثی شکل می گیرند. برای جایزه گرفتن، بهتر است روابط جدید و با تعداد اضلاع بیشتری تعریف بکنید. مثلاً عشق های مربعی، پدرهای شش ضلعی، مادرهای هشت ضلعی، جامعه ای دایره و...

عمار از پشت دوربین

محمد امین میمندیان

خواستیم فیلم ارزشی بسازیم گفتیم آقای ب.ز. برایمان بازی کند. منظورم آن ب.ز. نیست ها! بزبز قندی را هم نمیگویم. چون محدودیت حجم داریم ب.ز. مخفف بازیگر است. ب.ز. چنان مبلغی گفت که کل بودجه ی تولید را هم می دادیم و عوامل هم تا هفت نسل بردگی اش را می کردند باز نصف بیشترش می ماند. لذا بی خیالش شدیم و گرمورمان را که هم خوشتیپ بود هم از بچه های نیک روزگار بود گذاشتیم نقش اول. البته اول خواستیم مدیر صحنه را بگذاریم دیدیم دیگر صدابردار و دستیار کارگردان و تدارکات نداریم. هرچند بعدش هم تدارکات نداشتیم چون مجبور شدیم برای پرداخت قسط دوربین، چایی ویسکوییت و ناهار را حذف کنیم. لباس هم گفتیم خودشان از خانه بیاورند. می ماند لوکیشن که آن هم یک روز که پدر و مادر یکی از بچه ها رفته بودند مهمانی، رفتیم خانه شان و فیلم گرفتیم. افکنتهای صوتی را هم سپردیم به برادر کوچکتر یکی از بچه ها که انواع صداها از صدای پنجر شدن تریلی هجده چرخ تا صدای جا افتادن قرمه سبزی- را بلد بود در بیاورد!

با همچین وضعیتی فیلم ساختیم. هر نفر یک خم کار را گرفتیم و تا جشنواره رساندیمش. چکار می کردیم وقتی نه از دبی پولمان دادند نه از داخل تحویل گرفتند؟ به ما هم که عمرا خرس و پلنگ و گراز طلائی نمی دهند. مهم هم نیست. همین فانوس طلائی خودمان را عشق است.

فال حافظ!

محمد کوره پز

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم

کارگردانی هستی که فیلم های کشورت خیلی گل و بلبل و پر از خوشی و شنگولی است. تو می خواهی از حرص این قضیه، سقف سینماها را روی سر این مردم که هیچی از بدی و خیانت به همدیگر نمی دانند خراب کنی! ولی این کار را نکن. به جای ده تا طرح نوی فیلمنامه بنویس که در آنها یک لشکر آدم عاشق و معشوق به هم خیانت کنند. ما هم یک جوری با همدیگر می سازیم (چون ما که توی فیلم نیستیم!) و بنیاد ما هم از شما حمایت می کند و فیلمت را یک شبه توی هزار سالن پخش می کند. بعدش فیلم را می اندازیم توی جشنواره های خارجی. صاحبش می آید بر می دارد و جایزه می دهد. میگی نه؟ بساز بندلبنبین!

تحریریه : سجاد اسلامیان ، ابوالفضل رضایی ، مجید مالکی ، مجتبی مالکی ، محمدرضا پورصفا ، محمود شم آبادی ، محمدرضا طالبی آهویی ، روزبه قمصری ، نوید نوروزی
مدیر هنری: حسین شهریاری



THESE ^{مستند} GAMES

کارگردان: مهدی نقویان
DIRECTOR | MAHDI NAGHAVIAN